






"ما ازدواج کرده‌ایم، اما زیر یک سقف زندگی نمی‌کنیم" تجارب زیسته افراد متأهل در دوران عقدبستگی

مریم فلاحت پیشه بابلی  دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

فرشته موتابی  *^۱ استادیار گروه مطالعات بنیادین دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمدعلی مظاهری تهرانی  استاد گروه روان‌شناسی بالینی و سلامت دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

لیلی پناغی  دانشیار گروه بهداشت خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمود حیدری  دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

دوران عقد، از اولین مراحل چرخه زندگی خانواده‌های ایرانی به شمار می‌رود. از آنجاکه دوران عقدبستگی، دورانی ست که افراد متأهل هستند اما هنوز زندگی مشترک در زیر یک سقف را آغاز نکرده‌اند، توجه به این دوران به‌عنوان اولین مرحله تأهل، امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف از پژوهش فوق، شناسایی تجارب زیسته زنان و مردان متأهل ایرانی در طول دوره عقد بود. پژوهش حاضر که در سال ۱۳۹۹ انجام شد، یک پژوهش کیفی بود که ۱۳ شرکت‌کننده (بر اساس اصل اشباع داده‌ها) با روش نمونه‌گیری هدفمند، از میان جمعیت مورد مطالعه که شامل افراد عقد کرده ساکن شهر تهران بودند انتخاب شده و با آن‌ها مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام شد تا تجارب زیسته آن‌ها شناسایی شود. در نهایت مصاحبه‌ها با روش تحلیل تماتیک مورد تحلیل قرار گرفتند و مضامینی تحت عنوان چالش‌ها و تکالیف تحولی استخراج شدند چالش‌ها، شامل چالش‌های مربوط به خانواده مبدأ و خانواده همسر و همچنین چالش‌های بین همسران بود. تکالیف تحولی نیز طبق گفته‌های مشارکت‌کنندگان به سه دسته تکالیف تحولی مربوط به زوج، تکالیف تحولی مربوط به خانواده‌ها در قبال زوج و تکالیف تحولی فردی تقسیم شد. در نهایت، می‌توان گفت که نتایج مربوط به این

^۱ نویسنده مسئول fmoortabi@gmail.com

پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند در طراحی بسته‌های آموزش پیش از ازدواج بر اساس چالش‌ها و تکالیف تحولی دوران عقد، مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: چالش، تکالیف تحولی، تحلیل تماتیک، عقد.

مقدمه

خانواده، یک نهاد اجتماعی بسیار مهم و منبع آرامش شخص و جامعه است (سیدحسن تهرانی، کاکابرایی و امیری، ۱۴۰۰). اولین روابط افراد، اولین عضو شدن در گروه و اولین تجارب هر فرد در زندگی، در درون خانواده و با همراهی و مشارکت اعضای خانواده صورت می‌گیرد. بدین معنا که افراد در خانواده، گذشته و آینده خود را با یکدیگر به اشتراک گذاشته و روابطی نظیر ارتباط بین والدین، همشیرها و باقی اعضای خانواده، در طی گذراندن مراحل چرخه زندگی شکل می‌گیرد و به مرور تکامل می‌یابد (مک گلدریک، پرتو و کارتر،^۱ ۲۰۱۵)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که چرخه زندگی هر فرد، با حرکت و تغییر در بطن چرخه زندگی خانوادگی وی شکل می‌گیرد (مک گلدریک و پرتو و کارتر، ۲۰۱۵). در اکثر موارد، با ازدواج است که مقدمات تشکیل خانواده رقم می‌خورد. ازدواج، رویدادی است که منجر به ورود افراد به مرحله جدیدی از زندگی می‌شود و بخش بسیار مهمی از حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را در برمی‌گیرد (رضوی، جزایری، احمدی و اعتمادی، ۱۳۹۸). در واقع، ازدواج قدیمی‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد بشری است که نه تنها نقطه عطفی است که مرحله جدیدی در زندگی فرد را رقم می‌زند، بلکه عنصر حیاتی جامعه مدنی نیز به شمار می‌رود (هویت و چرچیل،^۲ ۲۰۲۰). پیامدهای مثبت ازدواج، علاوه بر سلامت روان زوجین، بر سلامت نسل آینده نیز اثر می‌گذارد؛ بنابراین، موفقیت در مراحل دیگر زندگی تا حد زیادی در گروه این انتخاب مهم می‌باشد (سامر و جاستینو،^۳ ۲۰۱۵). به گفته برنشتاین^۴ (۲۰۰۶)، ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین و بهترین قاعده اجتماعی مورد تأیید بوده است تا دسترسی افراد به نیازهای عاطفی‌شان را هموار سازد. دلایل عمده ازدواج، معمولاً شامل به دست آوردن عشق، داشتن شریک و همراه زندگی، ارضای نیازهای عاطفی-روانی و افزایش شادی و رضایت است.

^۱Siblings

^۲McGoldrick, M. Garcia Preto, N. & Carter, B

^۳Hewitt, B. & Churchill, B.

^۴Sommer, F. & Justino, C.

^۵Bernstein, M.

در جامعه ایران معمولاً زندگی مشترک با دوران عقد شروع می‌شود. این بدان معناست که با جاری شدن صیغه عقد دائم، رابطه دختر و پسر، به‌عنوان یک رابطه قانونی و شرعی در نظر گرفته می‌شود. در واقع در فرهنگ ایرانی، دوران عقد به دوره‌ای اطلاق می‌شود که با عقد ازدواج شروع شده و با شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف پایان می‌یابد (فتوگرافی، ۱۳۸۸). در واقع می‌توان گفت که دوره عقد بستگی، پس از آشنایی، خواستگاری و نامزدی، یکی از ابتدایی‌ترین دورانی است که افراد متأهل در ایران در طول حرکت در چرخه زندگی طی می‌کنند تا تشکیل خانواده بدهند. تعریف عقد برخلاف تعریف دوره نامزدی، تعریف مشخص و یکسانی دارد. هرچند بعضی افراد در سال‌های گذشته، دوران نامزدی و دوران عقد را با یکدیگر اشتباه گرفته‌اند، اما در واقع دوران عقد به‌عنوان دورانی تعریف می‌شود که با عقد ازدواج آغاز شده و با شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف به اتمام می‌رسد. همان‌طور که دوره نامزدی باعث می‌شود تا آشنایی بیشتری صورت گیرد و این آشنایی دارای تداوم و عمق و شفافیت بیشتر شود، دوران عقد نیز باعث می‌شود تا علاوه بر عمیق‌تر شدن اهداف دوره نامزدی، کارکردهای دیگری نظیر آمادگی اقتصادی، شناخت جنسی و تعامل با خانواده همسر نیز تحقق یابد. در واقع دوره عقد به‌قدری مهم است که نحوه آغاز و شکل‌گیری روابط در دوران عقد، بر رفتار و نحوه برخوردهای بعدی زوجین؛ تأثیرات مثبت و منفی به‌جای می‌گذارد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که تجربه دوران عقد، منجر می‌شود تا افراد آشنایی و پیوند خود را عمیق‌تر کنند و خود را برای زندگی مشترک آماده نمایند (رضوی، جزایری، احمدی و اعتمادی، ۱۳۹۸). همگامی و همراه شدن همسران با یکدیگر در مراحل قبل از ازدواج (نظیر دوره عقد در ایران)، این مزیت را دارد که هر دو همسر با وظایف یکسانی مواجه شده و تجارب مشابهی به دست آورند. لذا ممکن است در جامعه ایرانی که آشنایی پیش از ازدواج به علت فرهنگ سنتی غالب و آموزه‌های دینی، با محدودیت‌هایی مواجه است، نبود دوره‌ای تحت عنوان عقد، افراد را از برخی تکالیف رشدی و تحولی محروم کند و به‌یک‌باره آن‌ها را وارد زندگی مشترک کرده و چالش‌هایی را در رابطه زوجین ایجاد کند (رحمتی و بهرامی نژاد، ۱۳۹۸).

پژوهش‌های اندکی درباره دوران عقد یا پیش از ازدواج، در ایران و دنیا انجام شده است. از آنجا که در جوامع غربی دورانی تحت عنوان "عقد" وجود ندارد، می‌توان دوران نامزدی در جوامع غربی را معادل دوره عقد دانست. در این دوره، افراد به یکدیگر تعهد دارند و در حال برنامه‌ریزی برای ازدواج خود هستند، اما زندگی مشترک در زیر یک سقف را آغاز نکرده‌اند. به‌عنوان مثال، بارتون، فوتریس و بردلی (۲۰۱۴)، بر روی تأثیر آموزش‌های پیش از ازدواج بر زوج‌هایی که نامزد بودند پژوهش کردند. به دنبال مشارکت در این برنامه، زوجین نامزد، کسب دانش با دستاوردهای مثبت، احساس اطمینان بیشتر در روابط و رفتارهای مثبت‌تر در زمینه مدیریت تعارض را گزارش کردند. آن‌ها همچنین از رابطه خود احساس رضایت بیشتری می‌کردند. به‌علاوه، هیچ تفاوتی بین شرکت‌کنندگان که یک سری جلسات مشترک را در مقابل یک کارگاه گروهی یک روزه به پایان رسانده‌اند، یافت نشد. این یافته‌ها استحکام آموزش قبل از ازدواج را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که کارگاه‌های گروهی می‌توانند مانند جلسات مشترک متداول دارای اثر بخشی باشند. همچنین، هالفورد، سنדרز و بهرنس^۲ (۲۰۰۰)، هفتادویک نفر را که در دوران نامزدی قرار داشتند، از منظر مشاهده خشونت والدین در خانواده اصلی خود مورد ارزیابی قرار دادند. پژوهش آن‌ها نشان داد که زوجینی که آقا در آن‌ها خشونت را در والدین خود مشاهده کرده بود، عاطفه و ارتباط منفی بیشتری را نسبت به زوجینی که هیچ‌کدام از پارتnerها خشونت والدینی را مشاهده نکرده بودند، نشان دادند. همچنین، زوجینی که خانم، خشونت والدین را گزارش داد، در عاطفه و رفتار منفی، تفاوتی با زوجینی که هیچ‌کدام از پارتnerها خشونت والدینی را گزارش ندادند، نداشتند. در این زوج‌ها، خانم‌ها بیشتر افکار و شناخت‌های منفی را گزارش دادند. بیلگین، آک، پوتر و ازدوگان^۳ (۲۰۱۹) نیز دریافتند که زوجین نامزد معمولاً نگرش مثبتی نسبت به تنظیم خانواده دارند و نگرش زنان نسبت به مردان نسبت به تنظیم خانواده مثبت‌تر است. هدف مطالعه میلر^۴ (۲۰۲۱) نیز مطالعه تجارب زوجینی که در دوران نامزدی

^۱Barton, A. W. Futris, T. G. & Bradley, R. C.

^۲Halford, W. K. Sanders, M. R. & Behrens, B. C.

^۳Bilgin, N. Ç. AK, B. Ptur, D. C. & Ozdogan

^۴Miller, P. E

به سر می‌بردند بود تا نحوه انتخاب همسر را در آن‌ها مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش کیفی نشان داد که افراد برای انتخاب پارتنر، وارد فرآیندی می‌شوند که تمایلات و انتظارات در رابطه و بازخوردهای بیرونی از خانواده و دوستان، انتخاب آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ایران نیز پژوهش‌هایی در مورد دوران عقد انجام شده است و بعضی از آن‌ها از واژه "نامزدی" استفاده کرده‌اند؛ ولی طبق تعریفی که ارائه داده‌اند، منظور از نامزدی، همان دوران عقد بوده است. برخی از این پژوهش‌ها، تمرکز خود را بر مداخلات، متمرکز کرده‌اند. به‌عنوان مثال، رفیعی، اعتمادی، بهرامی و جزایری (۱۳۹۴)، به بررسی تأثیر آموزش آمادگی برای ازدواج، بر روی انتظارات زناشویی در دختران عقد کرده شهر اصفهان پرداختند. این پژوهش نشان داد که آموزش آمادگی برای ازدواج در دوران عقد، بر انتظارات زناشویی دختران نظیر انتظار از همسر به‌عنوان دوست و حامی، انتظار از زندگی زناشویی و انتظار از یک رابطه ایده آل، اثر می‌گذارد. همچنین پژوهش رستمی، نوابی نژاد و فرزاد (۱۳۹۹)، نشان داد که آموزش‌های پیش از ازدواج که مبتنی بر مدل تحکیم ازدواج هستند، در دوران نامزدی (عقد)، منجر به کاهش الگوها و آسیب‌های ازدواج می‌شوند. همان‌طور که گفته شد، برخی از پژوهش‌های ایرانی نیز در عنوان پژوهش خود از واژه "نامزدی" استفاده کرده‌اند، اما نامزدی را در تعاریف خود معادل دوران عقد دانسته‌اند. نگاهی به این پژوهش‌ها نیز حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، شیشه گران، قمری کیوی و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۵) حاکی از آن بود که آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجینی که در دوران نامزدی قرار دارند، منجر به افزایش استفاده از سبک‌های حل تعارض سازگارانه می‌شود. به‌علاوه این پژوهش نشان داد که کیفیت ارتباط زوجین در دوران نامزدی، پیش‌بینی‌کننده کیفیت ارتباط زوجی پس از ازدواج خواهد بود.

پژوهش‌های دیگر نیز تمرکز خود را بر مطالعه مسائل مربوط به دوران عقد گذاشته‌اند. به‌عنوان مثال، طبق پژوهش کیفی بیجاری، سپهری شاملو، مهram و صادقی (۱۳۹۸)، مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که وضعیت اقتصادی همسر در دوران عقد، از میزانی که در

دوران مجرد متصور بودند، مهم تر است. همچنین برخی دیگر از مشارکت کنندگان بیان کردند که ملاکی همچون شباهت کامل دو همسر به یکدیگر، در دوران عقد کاهش می یابد و چنانچه دوران عقد رضایت بخش باشد، افراد انعطاف پذیری بیشتری را تجربه کرده و توانایی بالاتری در پذیرش تفاوت ها خواهند داشت. به علاوه، خیر الهی، جعفری، قمری و باباخانی (۱۳۹۸) نشان دادند که زوجین در مرحله عقد بستگی، یکی از بیشترین میزان های انعطاف پذیری شناختی را در طول چرخه زندگی خانوادگی تجربه می کنند. همچنین، خالصی، سیمبر و آذین (۲۰۱۷)، یک مطالعه کیفی روی آموزش سلامت جنسی در بین زوجین عقد کرده ایرانی انجام دادند. تجزیه و تحلیل دیدگاه های شرکت کنندگان نشان داد که اکثر آنها نه تنها به دلیل نگرانی های پزشکی، بلکه بر ضرورت آموزش بهداشت جنسی تأکید کردند. از نظر آنها، علل ضرورت آموزش های جنسی در دوران عقد، شامل تغییرات فرهنگی اجتماعی، آسیب های اجتماعی نوظهور، دانش جنسی ناکافی، چالش ها در ارائه خدمات بهداشت جنسی، عواقب فردی و پیامدهای اجتماعی ناشی از عدم آموزش سلامت جنسی بود. به علاوه، پژوهش پورمرزی و ریماز^۱ (۲۰۱۴) بر روی آموزش های مربوط به سلامت در دوران عقد نشان داد که زوج های نامزد ایرانی مایل به دریافت اطلاعات در مورد سلامت، به ویژه در موضوعات مربوط به روابط جنسی هستند و نیاز آن را در خود حس می کنند. نیکی رشیدی، قرشی و اسماعیل زاده (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود که بر زیست جنسی زوج های جوان در دوران عقد پرداختند، دریافتند که برخی از افرادی که در دوران عقد قرار دارند، به علت حفظ بکارت خود و عدم تحمل فشار از سمت خانواده ها، انواع مختلفی از رابطه نظیر مقاربت دهانی و مقعدی را جایگزین کرده بودند.

امروزه آمار از هم پاشیدن خانواده ها به وسیله طلاق در ایران نیز به شدت رو به افزایش است. به طوری که طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور، تعداد ازدواج ثبت شده در سال ۱۳۹۰، ۸۷۴۷۹۲ بوده است و آمار طلاق ثبت شده در سال ۱۳۹۰، ۱۴۲۸۴۱ گزارش شده است. این رقم در سال ۱۳۹۴، تعداد ۶۸۵۳۵۲ ازدواج و ۱۶۳۷۶۵ طلاق گزارش شد. در سال ۱۳۹۶، تعداد ۶۰۵۴۰۴ ازدواج ثبت شده و تعداد ۱۷۴۵۷۸ طلاق گزارش شده که حاکی از آن است

^۱ Rimaz, S

که سال‌های اخیر، کشور با روند کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق مواجه بوده است (بازیابی شده از سایت سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۷). به‌علاوه، طی ده سال اخیر، بیشترین میزان طلاق، مربوط به زوجینی بوده است که کمتر از یک سال از ثبت عقد آن‌ها می‌گذشته است (بازیابی شده از سایت سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۷). طبق پژوهش‌ها، مشکلات به وجود آمده در دوران عقد (نامزدی)، به‌عنوان یک پیش‌بین مهم در سست کردن بنیان خانواده ایرانی و پیش رفتن به‌سوی طلاق به شمار می‌رود (مرادی، ضیغمی، محمدی و ساریچلو، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، دوران عقد از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌بایست الگوهای ناکارآمد به وجود آمده در این دوران، پیش از ورود به زندگی مشترک، حل شوند. چنانچه این الگوهای ارتباطی ناکارآمد باقی بمانند، منجر به حل نشدن مسائل مهم زندگی مشترک شده و پس از ازدواج، تبدیل به منبع تعارض تکراری در زوجین می‌شوند (شاهمرادی، اعتمادی، بهرامی، فاتحی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، مطالعه و مداخله در دوران نامزدی (عقد) و تلاش برای کاهش مشکلات ناشی از این دوران و تشخیص درست و به‌موقع چالش‌ها، منجر به دوام رابطه در این دوران می‌شود (رستمی و قزلسفلو، ۱۳۹۷). در نتیجه، با توجه اهمیت دوران عقد در بین جوانان در آستانه ازدواج، شناسایی و کشف تجارب افراد در این دوران از اهمیت بالایی برخوردار است تا به‌موجب آن بتوان مداخلات لازم را طراحی نمود. همچنین، همان‌طور که امروزه در پژوهش‌ها تعریف شده است، فرهنگ ایرانی، یک فرهنگ فردگرا یا جمع‌گرا نیست و به‌عنوان فرهنگ شرافت‌شناخته می‌شود (همچون فرهنگ ترکیه، مصر و غیره). این بدان معناست که افراد در ایران، برای مفاهیمی همچون شرافت، آبرو، غیرت و مهم‌تر از همه، حریم خانواده خود، اهمیت دوچندانی قائل هستند (عطاری، باربارو، شکلفورد و چگنی، ۲۰۱۷). با توجه به این تفاسیر به نظر می‌رسد که مطالعه کیفی دوران عقد به‌عنوان دورانی که مختص فرهنگ ایرانی است و متفاوت از سایر فرهنگ‌ها تجربه می‌شود، امری ضروری به نظر می‌رسد. درواقع، خلأ پژوهش، به‌ویژه پژوهش‌های کیفی در خصوص شناسایی تجارب زیسته افراد در دورانی تحت عنوان "عقد

۱ Honor culture

۲ Atari, M. Barbaro, N. Shackelford, T. K. & Chegeni, R.

بستگی" که مختص به فرهنگ ایران است به شدت حس می‌شود. لذا، پژوهش فوق باهدف بررسی چالش‌ها و تکالیف تحولی تجربه‌شده در دوران عقد انجام شد تا به سؤال زیر پاسخ دهد:

تجارب زیسته افراد در دوران عقدبستگی چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

روش اجرا و تحلیل در پژوهش فوق، روش تحقیق کیفی بود. روش تحقیق کیفی به‌طور عمده شامل روش‌های نظریه زمینه‌ای، تحلیل محتوا و پدیدارشناسی است. درواقع، پژوهش کیفی ماهیتی چند روشی دارد و متضمن رویکردی تفسیری و طبیعت‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است (کرسول، هنسون، کلارک پلنو و مورالس، ۲۰۰۷). این بدان معناست که پژوهشگر کیفی، پدیده‌ها را در موقعیت‌های طبیعی آن‌ها مطالعه کرده و می‌کوشد که آن‌ها را با برحسب معنایی که مردم به آن‌ها می‌دهند، مفهوم‌سازی یا تفسیر نماید (ابوالمعالی، ۱۳۹۱). پژوهش حاضر به وسیله روش تحقیق کیفی تحلیل تماتیک اجرا و تحلیل شد تا تجارب مشارکت‌کنندگان که در دوران عقد به سر می‌بردند، شناسایی شود.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه

جمعیت مورد مطالعه این پژوهش شامل تمامی زنان و مردان عقد کرده ساکن شهر تهران بود. گروه نمونه پژوهش نیز در سال ۱۳۹۹، با روش نمونه‌گیری هدفمند و از بین شرکت‌کنندگان در رساله دکترای نویسنده اول مقاله که مربوط به تعیین مراحل چرخه زندگی خانواده‌های ایرانی بود، انتخاب شدند. درواقع گروه نمونه، شامل زنان و مردان ساکن شهر تهران بود که ملاک‌های ورود را دارا بوده و شامل ملاک‌های خروج نمی‌شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل موارد زیر بود:

۱) افراد در زمان مصاحبه، عقد خود را به شکل قانونی ثبت کرده باشند اما زندگی مشترک در زیر یک سقف را آغاز نکرده باشند، ۲) افراد در ازدواج اول خود به سر ببرند،

۳) افراد (آقایان)، در زمان پژوهش، دارای یک همسر باشند، ۴) دارای سواد خواندن و نوشتن باشند ۵) بیشتر از چهار سال در دوران عقد نبوده باشند.

ملاک‌های خروج از پژوهش نیز موارد زیر را در برمی‌گرفت: ۱) ابراز نارضایتی مشارکت‌کنندگان از ادامه مصاحبه و پاسخ دادن به سؤالات، ۲) مشاهده مواردی از اخلاق در پاسخ‌دهی توسط مصاحبه‌گر که نمایانگر مشکلاتی نظیر اختلالات خلقی، اضطرابی، شناختی، روان‌پیشانه، شخصیت و غیره باشد و مشارکت‌کنندگان آن را گزارش نکرده باشند. در مورد حجم نمونه در این پژوهش، مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌ها به حد اشباع رسیدند و در مصاحبه سیزدهم داده جدیدی به دست نیامد.

روش اجرای پژوهش

در ابتدا، به منظور انجام نمونه‌گیری، آگهی‌هایی چاپ شد که از زنان و مردان متأهل که در دوره عقد به سر می‌بردند درخواست شد تا در پژوهشی که در دانشگاه شهید بهشتی در حال اجراست، به صورت داوطلبانه همکاری نمایند. آگهی فوق به شکل اینترنتی در فضای مجازی منتشر شد و آن دسته از زوجینی که جهت همکاری با مصاحبه‌گر تماس حاصل کردند، از شرایط اجرای پژوهش مطلع شده و پس از قبول شرایط، با آن‌ها قرار ملاقات گذاشته شد. مصاحبه‌کننده برای هر یک افراد، در روز مصاحبه حضوری، اهداف پژوهش را بازگو کرد و سپس فرم رضایت‌نامه‌ای به آن‌ها ارائه شد تا رضایت خود را مبنی بر ضبط جلسات و استفاده از اطلاعات مصاحبه در پژوهش، اعلام نمایند. در واقع در این مرحله، ملاحظات اخلاقی پژوهش نظیر کسب رضایت مشارکت‌کنندگان قبل از اجرای مصاحبه، خنثی بودن مصاحبه‌گر در حین انجام مصاحبه و اجتناب از قضاوت و سوگیری، رعایت اصل رازداری و به کارگیری اسامی مستعار برای اشاره به مشارکت‌کنندگان در پژوهش و عدم تحریف جملات مشارکت‌کنندگان و به کارگیری عین عبارت گفته شده در نگارش یافته‌های پژوهش برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. نهایتاً هر فرد، به شکل جداگانه مورد مصاحبه قرار گرفت. مصاحبه‌ها با سؤالات بازپاسخ، به صورت رودررو و در مورد تجارب زیسته دوره عقد انجام شد. میانگین زمان مصاحبه‌ها، حدود ۸۰ دقیقه بود.

هر مصاحبه، پس از ضبط شدن، توسط پژوهشگر بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد و پس از پیاده‌سازی، مصاحبه‌ها چندین بار توسط پژوهشگر مرور شدند و جملاتی که دارای بار معنایی بودند مشخص شده و بر اساس مفهوم خود، نام‌گذاری شدند. این مفاهیم به‌قدری مرور شدند تا جملات و مفاهیم مشابه، در دسته‌های مجزا تحت عنوان مضامین اصلی قرار بگیرند. مضامین اصلی به‌دست آمده در هر مصاحبه، توسط پژوهشگران بررسی شده و روند بررسی و ویرایش آن‌ها تا زمانی ادامه یافت که همگی به یک نظر واحد رسیدند. مصاحبه‌ها نیز تا زمانی ادامه یافت که برای هر مرحله، مضمون جدیدی حاصل نشد و داده‌ها به اشباع رسیدند.

ابزار گردآوری اطلاعات و روایی و پایایی آن

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. در مرحله اول طراحی سؤالات مصاحبه، تمامی حیطه‌هایی که نیاز بود تا در مصاحبه بررسی شوند، مشخص شدند. از آنجا که مصاحبه کیفی در پژوهش فوق، تجارب زیسته دوران عقد را بررسی کرد، حیطه‌های کلی نظیر ازدواج و خانواده، نقش‌ها و وظایف، چالش‌ها، نیازها و بحران‌ها و منابع بحرانی، مشخص شدند. در مرحله دوم، عناوین انتخاب شده در یک توالی مناسب، پشت سر یکدیگر قرار گرفتند. در این بخش، دو سؤال مطرح شد: اول آنکه منطقی‌ترین رده‌بندی حیطه‌ها چیست؟ و دوم آنکه حساس‌ترین حیطه‌ها کدام هستند تا حیطه‌های حساس‌تر، دیرتر در مصاحبه مطرح شوند و مصاحبه‌شونده در صحبت با مصاحبه‌گر، احساس آرامش و راحتی کند. در مرحله سوم، برای هر یک از حیطه‌های تعیین شده، سؤالاتی تعیین شد؛ و درنهایت، سؤالات کاوشی احتمالی که ممکن بود به دنبال پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به سؤالات اصلی مصاحبه به وجود بیاید، مشخص شدند. در ادامه، مراحل ساخت مصاحبه نشان داده شده است:

جدول ۱. مراحل ساخت مصاحبه

ازدواج و خانواده

- ۱- عقد برای شما به چه معناست؟
 - ۲- تأهل برای شما چه معنایی دارد؟
- سؤال کاوشی:** از نظرتان، بین آغاز زندگی در زیر یک سقف و دوران عقد، چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟
- ۳- اهداف شما از عقد کردن چه بوده‌اند؟ در حال حاضر، چگونه به آن اهداف رسیده‌اید؟
- سؤال کاوشی:** اهداف مالی، جنسی، عاطفی، شما چیست؟ فکر می‌کنید چه دلایلی وجود دارد که شما به اهداف خود در دوران عقد رسیده/نرسیده‌اید؟

نقش‌ها و وظایف

- ۱- در حال حاضر، نقش شما به عنوان همسر، چگونه است؟ چگونه نقش خود را ایفا می‌کنید؟
- سؤال کاوشی:** آیا بخشی از نقش شما در قبال خانواده مبدأ و خانواده همسران نیز تعریف می‌شود؟
- ۲- به نظر شما وظایف شما در قبال خانواده هسته‌ای خود یا خانواده همسران، به عنوان یک فرد عقد کرده چیست؟
- سؤال کاوشی:** وظایف شما نظیر حمایت مالی، حمایت عاطفی، یا رسیدگی به انواع نیازهای همسران چگونه است؟ آیا شما در قبال خانواده مبدأ و همسر خود نیز وظایفی دارید؟ آن وظایف چیست؟

مشکلات، نیازها و بحران‌ها

- ۱- شما در ایفای نقش‌های خود به عنوان همسر (یا عروس/داماد)، در دوران عقد با چه چالش‌ها و مشکلاتی روبرو هستید؟
- سؤال کاوشی:** چالش شما با همسر، خانواده مبدأ و خانواده همسر، با اجتماع و با محیط کارتان چگونه است؟
- ۲- نیازهای شما به عنوان فردی که عقد کرده، در خانواده چیست؟
- سؤال کاوشی:** نیازهای فیزیکی، عاطفی، ذهنی، جنسی شما چیست؟ چگونه به نیازهای شما پاسخ داده می‌شود؟
- ۳- شما به عنوان فردی که در دوران عقد قرار دارید، با چه بحران‌ها و مشکلاتی در خانواده روبرو هستید؟
- سؤال کاوشی:** بحران مالی، جنسی، ارتباطی و غیره را چگونه تجربه می‌کنید؟

منابع بحرانی

- ۱- شما در ایفای نقش خود به عنوان فردی عقد کرده، از چه منابعی کمک می‌گیرید؟
- سؤال کاوشی:** منابعی نظیر خانواده مبدأ، خانواده همسر، دوستان، شبکه‌های اجتماعی، خانواده گسترده؟
- ۲- شما در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های دوران عقد، چگونه حل مسئله می‌کنید؟
- سؤال کاوشی:** استفاده شما از انواع روش‌های حل مسئله نظیر مشورت و گفتگو، سکوت، خشم و تعارض، کناره‌گیری، مراجع قضایی به چه شکل است؟

همچنین، به منظور بررسی قابلیت اعتماد و اعتبار داده‌های حاصل از مصاحبه کیفی، روش‌های چک کردن با مشارکت کنندگان^۱ و مرور توسط همکاران^۲ به کار گرفته شد. در بخش چک کردن با مشارکت کنندگان، از دوروش مجزا استفاده شد. اولین روش در حین

^۱Member Checking

^۲Peer Checking

مصاحبه گرفتن اجرا شد و پژوهشگر، دائماً در حال پرسیدن سؤالات روشن گر و عمیق از مصاحبه شونده بود و برداشت خود را از پاسخ مصاحبه شونده، به وی بازخورد می داد. یک روش دیگر، پس از اجرای مصاحبه و تحلیل تماتیک آن انجام شد. در این روش، برخی از مصاحبه شونده‌گان، مجدداً فراخوانی شدند و تم‌های به دست آمده از تحلیل مصاحبه، با آن‌ها چک شد. چنانچه نظر مشارکت کنندگان، با نتایج تحلیل، مغایر بود، مصاحبه مورد بازنگری قرار می گرفت و تحلیل‌های کیفی اصلاح می شد. همچنین، به منظور رعایت مرور توسط همکاران، مصاحبه‌های خام در اختیار دو متخصص در زمینه پژوهش کیفی قرار گرفتند و از آن‌ها درخواست شد تا مصاحبه‌ها را با روش تحلیل تماتیک، مورد آنالیز قرار دهند. سپس برای هر مصاحبه، نتایج تحلیل نویسندگان این مقاله و دو متخصص دیگر، با یکدیگر مقایسه شد. مضامینی که شباهت و همپوشانی بالایی داشتند، تأیید شده و برای مضامینی که بین متخصصان اختلاف نظر وجود داشت، جلساتی برگزار شد. در طی این جلسات که با حضور نویسندگان پژوهش و دو متخصص دیگر انجام شد، در مورد مضامینی که اختلاف نظر وجود داشت بحث شد تا همگی به یک اجماع برسند. در آخر، مضامین، زیرمضمون‌ها و واحدهای معنایی حمایت کننده، با تأیید تمامی تحلیل گران، نهایی شدند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش، به صورت تحلیل تماتیک بود. طبق الگوی ۶ مرحله‌ای (کلارک و براون، ۲۰۱۴)، مراحل تجزیه و تحلیل تماتیک اطلاعات، به منوال فوق پیش رفت: ۱) آشنایی: در این مرحله، صداهای ضبط شده، بارها گوش داده شد. همچنین، مصاحبه‌ای که بر روی کاغذ پیاده شده بود، چندین بار خوانده شد. ۲) کدگذاری: در پژوهش فوق، جملاتی که دارای بار مفهومی بودند، برچسب زده شده و کدگذاری شدند. ۳) جستجوی مضامین: پس از کدگذاری جملات، کدهای مشابه، در یک دسته طبقه بندی

۱ Clarke, V. & Braun, V.

۲ Familiarization

۳ Coding

۴ Searching

شدند تا تم‌ها یا مضمون‌ها تولید شوند. (۴) مرور مضامین^۱: پیش از تولید مضامین دیگر و اجرای مصاحبه‌های جدید، کدها مجدد با آن مضمونی که به آن تعلق داشتند چک شدند. (۵) توصیف و نام‌گذاری مضامین^۲: پس از تولید مضامین، به توصیف آن مضمون خاص پرداخته شد تا آن را روشن‌سازی کنیم؛ و (۶) نوشتن گزارش^۳: در مرحله آخر، روایت تحلیلی، داده‌های روشن‌کننده و شواهد قانع‌کننده، در هم بافته شد و با استفاده از مضامین و شواهد موجود، یک گزارش تحلیلی تنظیم شد که تکالیف تحولی و چالش‌های زوجین‌های ایرانی در دوره عقد را نشان دهد.

تحلیل داده‌ها

در این بخش، پس از بیان ویژگی‌های کلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، به تحلیل تماتیک پاسخ‌های آنان و پرسش‌های اصلی پژوهش پرداخته می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین سن این نمونه‌ها حدود ۲۶/۲ سال بود. تمامی مشارکت‌کنندگان، ساکن تهران بوده، اما اصالتاً دارای قومیتی دیگر بودند. همچنین، ۱۵/۳ درصد مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۵/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۳۰/۷ درصد دارای تحصیلات لیسانس (اتمام تحصیلات یا دانشجوی)، ۲۳/۰۷ درصد مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات فوق‌لیسانس (اتمام تحصیلات یا دانشجو) و ۱۵/۳ درصد دارای تحصیلات دکتری (اتمام یا دانشجو) بودند. به علاوه، ۴۶/۱ درصد همسران این افراد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس (اتمام تحصیلات یا دانشجو)، ۱۵/۳ درصد دارای تحصیلات لیسانس (اتمام تحصیلات یا دانشجو)، ۱۵/۳ درصد دارای تحصیلات دکتری (اتمام تحصیلات یا دانشجو) و ۲۳/۰۷ درصد از همسران دارای تحصیلات دیپلم یا زیر دیپلم بودند. همچنین، ۲۳/۰۷ درصد از افراد، کمتر از یک سال از عقد آن‌ها می‌گذشت، ۴۶/۱۵ درصد از آن‌ها بین یک تا دو سال، ۲۳/۰۷ درصد بین دو تا سه سال و ۷/۶ درصد از افراد، بیشتر از سه سال (تا چهار سال) بود که در دوره عقد به سر می‌بردند.

^۱ Reviewing themes

^۲ Defining and naming themes

^۳ Writing the report

در پاسخ به سؤالات پژوهش، یافته‌های حاصل از تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها، به دو دسته مجزا، تحت عنوان "چالش‌ها" و "تکالیف تحولی" تقسیم شد. در ادامه، به هر یک از یافته‌ها به شکل مجزا پرداخته خواهد شد:

۱- چالش‌ها

یکی از مهم‌ترین عناوینی که افراد در دوره عقد به آن اشاره نمودند، چالش‌هایی بود که پس از وارد به شدن به دوره عقد تجربه کرده بودند. این افراد اظهار داشتند که چالش‌های فوق، یکی از عواملی بود که موجب می‌شد تا آن‌ها، دوره عقد را به شکل متفاوتی نسبت به دوره مجرد یا دوره آشنایی با همسر (به شکل سنتی یا غیر سنتی) تجربه کنند. در پی تحلیل مصاحبه‌ها، دو مضمون کلی تحت عنوان چالش‌ها در قبال "خانواده مبدأ و خانواده همسر" و چالش‌های بین "همسران" استخراج شد (جدول شماره ۲) که به هر کدام از آن‌ها در ادامه اشاره خواهد شد.

جدول شماره ۲. چالش‌های دوران عقد

مضامین اصلی	زیر مضمون‌ها	کدها	
ورود به یک خانواده جدید	عدم استقلال از خانواده	به رسمیت نشناختن استقلال و حریم زوج	
	مبدأ	به رسمیت نشناختن تصمیمات زوج	
ورود به دنیای تأهل	سازگاری با تفاوت‌های فرهنگی	تفاوت در زبان مادری	
	شناخت یکدیگر	لزوم رعایت آداب سنتی توسط خانواده	
		ایفای نقش جدید به عنوان عروس/داماد	
محدودیت در آزادی فردی	شناخت خصوصیات جنس مخالف	اختلاف سلیقه در چگونگی برقراری رابطه جنسی و عاطفی	
	محدودیت در آزادی فردی	عدم بهای همسر به استقلال فرد	
		تفاوت همسران در میزان نیاز به آزادی فردی	کم شدن روابط با دوستان مجرد
		کاهش یا قطع ارتباط فرد با دوستان جنس مخالف	

مضامین اصلی	زیر مضمون‌ها	کدها
عدم شروع زندگی مشترک	بلا تکلیفی	تعارض با همسر به علت مشکلات مالی
		مشخص نبودن تاریخ عروسی
		نداشتن مکان ثابت
		کامل نکردن رابطه جنسی
		مشخص نبودن حامی مالی

۱-۱- ورود به یک خانواده جدید

اولین مضمون به دست آمده در مورد چالش‌های مربوط به دوران عقد در پژوهش فوق، مربوط به ورود به یک خانواده جدید بود. در این بخش، افراد اشاره داشتند که استقلال از خانواده مبدأ و سازگاری با تفاوت‌های فرهنگی، از مهم‌ترین چالش‌هایی است که در دوران عقد پدیدار می‌شوند:

۱-۱-۱- عدم استقلال از خانواده مبدأ

مصاحبه‌کنندگان اظهار داشتند که خانواده‌ها، در معاشرت زوج با یکدیگر و پذیرش آن‌ها به عنوان همسر در دوران عقد، سخت‌گیری می‌کردند. در واقع به نظر می‌رسید که خانواده‌ها، استقلال فردی که عقد کرده را به رسمیت نمی‌شناختند. به عنوان مثال مشارکت‌کننده شماره ۱ اظهار داشت:

"البته اینم بگم که اصالت پدر خانمم لرهست که اوایل دوران عقد برای رفت و آمد سخت می‌گرفتند. شخصیت من جوریه هست که با این مسائل کنار نمی‌آم. به قول معروف، انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست..."

یا اینکه شرکت‌کننده شماره ۳ معتقد بود که:

"البته به چالش مهم اعلام استقلال بود مخصوصاً نسبت به خانواده‌ی من. اینکه اعلام کنیم ما الان مستقل شدیم و می‌خوایم خودمون برای زمان هامون برنامه ریزی کنیم. ما تشخیص میدیم که کی بیایم به شما سر بزنینم. اینا به خورده زمان برد تا درک کنن مخصوصاً برای خونواده من که اینا الان خودشون دوتا آدم مستقلن و"

توی رفت و آمدها تو روابط دست به انتخاب بزیم خوب حالا با کی رفت و آمد
کنیم با کی نکنیم"

از سویی دیگر به نظر می‌رسد که یکی دیگر از چالش‌های مشارکت‌کنندگان در دوره
عقد و عدم استقلال از خانواده مبدأ، مربوط به عدم به رسمیت شناختن تصمیمات زوج،
به‌عنوان یک واحد مستقل بود. به‌عنوان مثال:

"نه خانواده خودم و نه همسرماً اصلاً نمیداشتند ما کاری که دوست داشتیم
بکنیم. حتی در مورد مراسم عروسیمون. اصلاً انگار اختیار زندگیم دست خودم
نبود. هر تصمیمی می‌خواستیم بگیریم یا نمیزاشتند یا مخالفت می‌کردن و می‌گفتن
شماها فعلاً بچه خونه مایید" (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

۲-۱-۱- ورود به یک خانواده جدید

از دیگر چالش‌هایی که توسط افراد مشارکت‌کننده به‌عنوان چالش با خانواده‌ها مطرح شد،
ورود به یک خانواده جدید بود. به‌عنوان مثال، برخی شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که
تفاوت در زبان مادری، باعث بروز چالش‌هایی شده بود:

"خب مثلاً اینکه من نمی‌تونستم با مادر همسرماً صحبت بکنم. ایشون فارسی
بلد نبودن و من ترکی و این‌یه مقدار چالش بود برام که باید با یک زبان دیگه حالا
اصلاً فرهنگ دیگه نه وقتی می‌رفتم داخل خانواده‌ی همسرماً باید سعی می‌کردم که
متوجه بشم به هم چی میگن و این یکمی برام سخت بود" (مشارکت‌کننده شماره
۶).

یا به‌عنوان مثال، مشارکت‌کننده شماره ۵ بیان کرد که:

"در زمان عقد، خودم درگیری زیادی با این موضوع داشتم چون حقیقتاً به
دلیل تفاوت‌های فرهنگی، رفتارهایی که داشتن منو آزار می‌داد. مثلاً من توقع داشتم
منو به‌عنوان یک عضو جدید خانواده شون خیلی تحویل بگیرن و خب این اتفاق
نمی‌افتاد؛ یعنی خیلی عادی برخورد می‌کردن، انگار سالهاست تو رو میشناسن. مثلاً

ما کردها خیلی مهمون نواز هستیم ولی وقتی من خونه مادر همسر مهمون بودم اصلاً چنین رفتارهایی نداشتن و برای من قابل درک نبود اصلاً!

برخی افراد نیز اظهار داشتند که لزوم رعایت آداب سنتی توسط خانواده‌ها، یکی از چالش‌هایی بود که در دوران عقد، با آن روبرو شده بودند:

"حالا ما اصلاً واسه خودمون مهم نبود؛ اما مامانم ناراحت شده بود که اینا چرا الان که سال اول مون هستیم، اینا واسه من کادوی شب یلدایی نیاوردن. واقعاً هر چی باهاش چونه می‌زدیم که کوتاه بیاد فایده نداشت" (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

از دیگر چالش‌های پیش روی افراد در دوران عقد، ایفای نقش‌های جدید به‌عنوان عروس یا داماد در خانواده همسر بود. به‌عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۳ بیان کرد که:

"در مورد خونواده‌ی همسر، من به نقش جدید گرفته بودم باید با چالش‌های کنار می‌ومدم. توی اون دوران به جز اینکه من باید با هنجارهای خونوادش آشنا می‌شدم به جاهایی باید به هنجارها کنار می‌ومدم و خب چون خونوادشون هم پر جمعیت‌تر از خونواده‌ی من بود نقش‌های بیشتری گرفتم. به محض ورودم زن عمو بودم زندایی بودم زنداداش بودم؛ یعنی همه نقشای مختلفی به دونه گرفتم و کنار او مدن با این نقشا و پذیرفتن اینکه تو این نقشا باید تو چه قالبی فرو بری به ذره سخت بود".

۱-۱- ورود به دنیای تأهل

دومین مضمون به‌دست‌آمده در مورد چالش‌های مربوط به دوران عقد در این پژوهش، مربوط به چالش‌های مرتبط با همسر شدن بود. در این بخش، افراد اشاره داشتند که شناخت یکدیگر و محدود شدن آزادی‌های دوران مجرد، از مهم‌ترین چالش‌هایی است که در دوران عقد در بین همسران پدیدار می‌شوند:

۱-۲-۱- شناخت یکدیگر

از نظر مشارکت کنندگان، یکی از چالش‌های مهم بین همسران در دوره عقد، شناخت یکدیگر بود. در طول این شناخت، برخی افراد معتقد بودند که تکمیل اطلاعات در مورد مسائل زناشویی و خصوصیات جنس مخالف، یکی از نکات مهم در شناخت تلقی می‌شده است:

"ولی این یکی از دغدغه‌ها بحث این بود که برخورد با خانوم هارو بهتر یاد بگیرم و حتی بگم درست یاد گرفتم که مثلاً خانوم تو دیگه مادر تو نیست یا خواهر تو یا همکار تو نیست که مثلاً به چیزی بگی این کوتاه بیاد چیزی نگه!" (مشارکت کننده شماره ۷).

شرکت کنندگان در مورد دیگر چالش‌های پیش رو در شناخت یکدیگر در دوران عقد، به پیدا کردن اطلاعات کافی در مورد نیازهای طرف مقابل نیز اشاره کردند. به عنوان مثال:

"واقعاً نمی‌دونستم که این آدم الان به عنوان همسر من چیا می‌خواهد. به وقت‌هایی قهر می‌کرد. به وقتایی می‌گفت تو اون شکلی که من می‌خوام بهم توجه نمی‌کنی. من می‌خواهم خودم می‌گفتم که چطوری باید راضی نگه دارمش..." (مشارکت کننده شماره ۱۰).

یکی دیگر از مصادیق بیان شده در مورد چالش‌های مربوط به شناخت طرف مقابل، کسب کردن مهارت‌های جدید در رابطه بود. مشارکت کننده شماره ۵ معتقد بود که:

"مهارت‌های جدید کسب کردم... اینجا دیگه بحث حقوق برابر مطرحه. بحث کوتاه او مدن مطرحه. خوب اینارو کاملاً همشو دیگه خورده خورده یاد گرفتم. حتی به موقع‌هایی که اون استرس میگیره تو باید یاد بگیری چجوری برخورد کنی."

یکی دیگر از چالش‌ها در روند شناخت یکدیگر توسط همسران، اختلاف سلیقه در چگونگی رابطه جنسی و عاطفی بیان شد:

"مثلاً من خودم خیلی کلامی‌ام. خیلی حساس‌ام. می‌دونید چی میگم؟ دوس داشتم اوایل که عقد کرده بودیم همش همسرم بهم ابراز کنه؛ اما خب مدل اون

فرق داشت دیگه. حتی خجالت می‌کشید تو خیابون دست منو بگیره." (مشارکت کننده شماره ۱).

از چالش‌های دیگر در روند شناخت یکدیگر، شناخت تفاوت‌هایی در ویژگی‌های شخصیتی همسران بود. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده‌ای معتقد بود که:

"یعنی مثلاً من همیشه می‌دونستم خیلی آدم درونگرایی هستم و مثلاً دوست دارم همیشه تو خونه باشم و کتاب بخونم و موسیقی گوش بدم ولی آرش خیلی برونگرا و اهل شوخی و مهمونی هستش." (مشارکت کننده شماره ۸)

۲-۲-۱- محدودیت در آزادی فردی

محدود شدن آزادی‌های فردی، یکی دیگر از چالش‌های مهمی بود که همسران با وارد شدن به دوران عقد، با آن مواجه می‌شدند. به‌عنوان مثال برخی شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که پس وارد شدن به دوران عقد، احساس کرده‌اند که همسرشان به استقلال آن‌ها بها نمی‌دهد:

"میدونی شاید من این تصور رو دارم که یکم چرا به من بها داده نمیشه. نه اینکه خیلی زیاد باشه ولی یه وقتایی دوست دارم من کار خودمو بکنم و این چیزایی که مشترکه رو انجام ندم. این شاید برای من یکم این نیازه باشه که دوست دارم یکم مستقل‌تر از اینی که الان هستم باشم. انگار به قول روان‌شناسا من خودمو باید بندارم کنار و به اون ما توجه کنم و خب این سخنه." (مشارکت کننده شماره ۷).

از دیگر چالش‌های بیان شده توسط مشارکت‌کنندگان در محدود شدن آزادی‌های فردی و تفاوت همسران در میزان نیاز به آزادی‌های فردی بود:

"بین من از نظر کاری کارم خیلی خوبه میتونم خودم برای خودم مستقل باشم راستش حرفی برای گفتن داشته باشم. ولی الان که من شغل خودمو دارم مستقل‌مو اینا باز من تصمیم گیرندست و حس می‌کنم آزادی ندارم تو رابطه..." (مشارکت کننده شماره ۶).

شرکت کننده شماره ۴ اظهار داشت که:

"شاید من آدم وابسته تری بودم. خب همسرم این شکلی نبود. اون یه آزادی بیشتری می خواست. یه بار حتی گفت که حس میکنه داره خفه میشه و از وقتی عقد کردیم انگار دیگه زندگی شخصی نداره. انگار تمام آزادیشو ازش گرفتن. راستش من خیلی درک نمی کردم چی میگه چون برای من این مسئله خیلی متفاوت نشده بود بعد عقد. خب قبل اونم شاید تو خانواده خودم که بودم یکسری محدودیت داشتم و عادت کرده بودم."

کمرنگ شدن روابط با دوستان مجرد، از دیگر چالش هایی بود که تحت عنوان محدود شدن آزادی های فردی دو دوره عقد بیان شد:

"یعنی آگه من هر روز بخوام با دوستانم برم بیرون باید از خونم بگذرم که برم. همین باعث میشه رابطه آدم با دوستای مجردش کمتر شه. خوب حالا آدم محدود میشه نه اینکه قطع بشه و اینکه باهرکسی هم نمیشه ارتباط داشت."
(مشارکت کننده شماره ۱).

از دیگر چالش های مربوط به محدود شدن آزادی های فردی در دوران عقد، کاهش یا قطع ارتباط فرد با دوستان جنس مخالف خود بود. به عنوان مثال:

"... حالا وقتی که مجردی میخوای یچور دیگه ای رابطه داشته باشی با آدما. دوست هایی داری که جنس مخالفن که وقتی وارد زندگی مشترک میشی مجبوری با اونها قطع ارتباط کنی" (مشارکت کننده شماره ۶).

۱-۳-۱-عدم شروع زندگی مشترک

آخرین چالش تجربه شده توسط همسران در دوران عقد، عدم شروع زندگی مشترک بود. افراد، این چالش را به شکل بلاتکلیفی تجربه کرده بودند.

۱-۳-۱- بلاتکلیفی

افراد در دوران عقد، بلا تکلیفی را به اشکال مختلفی از جمله مشخص نبودن تاریخ عروسی و نداشتن مکان ثابت تجربه کرده بودند. به‌عنوان مثال، آن‌ها اظهار داشتند که مدام بین خانه خود و خانه پدر/مادر همسر، سرگردان هستند. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده شماره ۸ اظهار داشت:

" دوره‌ی عقد به دوره واقعاً بینا بینی هست یعنی ممکن به سری تکالیف اینجا کم بشه ببیند از به طرف خوب ما داریم آماده میشیم برای زندگی مشترک هم از به طرف هنوز مشترک نشدیم"

... یا مشارکت‌کننده شماره ۳ گفت:

" همین زیر به سقف نرفتن خودش به وجه تمیزی بین عروسی و عقد هستش؛ و بین حتی عقد و مجردی. این هست که شخص دیگری وارد زندگی شده و این خوب خودش نشون میده که دیگه مجرد نیستی اما نمی‌فهمی که متأهل هستی بالاخره یا نه".

برخی دیگر از مشخص نبودن تاریخ عروسی خود نگران بودند. به‌عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۱۳ گفت:

" ما هنوز نتونستیم تاریخ عروسی مشخص کنیم. همسر به وضوح ناراحته. کلافه شده دیگه"

... مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز اظهار داشت:

" هی میگم حداقل به تاریخی مشخص کنیم. اگر نمی‌تونیم عروسی بگیریم حداقل بی عروسی بریم سر زندگی مون. سه سال شده الان".

برخی از افراد، از مشکل در برقراری سکس کامل صحبت کردند. آن‌ها بیان داشتند که به علت این که در دوران عقد هستند، نمی‌دانند که می‌بایست با همسر خود رابطه جنسی همراه با دخول داشته باشند یا خیر. به‌عنوان مثال، مشارکت‌کننده ۱۰ گفت:

" هی بهش می‌گفتم تو ز نمی. می‌گفت تا وقتی عروسی نکردیم نمی‌زارم"

... مشارکت کننده شماره ۲ نیز اظهار داشت:

"والا آدم نمیفهمه زن و شوهره یا نیست. اگر هستیم پس چرا می باید استرس بکشیم سر به سکش کردن. آدم چقدر اذیت میشه بخدا"

و در نهایت، افراد در مورد هزینه‌ها نیز بلا تکلیف بودند. آن‌ها نمی دانستند که در دوران عقد، هزینه‌های خانم بر عهده همسر است یا پدر. به عنوان مثال، شرکت کننده شماره ۴ گفت:

"والا نه روم میشه از بابام پول بگیرم نه از همسرم. اگر عروسی کرده بودیم خب خیلی فرق می کرد"

... مشارکت کننده ۱۱ نیز اظهار داشت:

"از همین چیزای عقد بدم میاد. الان مثلاً من باید شهریه دانشگاهمو بدم. خودم که پول ندارم. می ترسم به بابام بگم بگه شوهر کردی. می ترسم به شوهرم بگم بگه ما هنوز زیر به سقف نرفتیم که".

۲- تکالیف تحولی

یکی از دیگر از مضامینی که افراد در دوره عقد به آن اشاره نمودند، تکالیف تحولی ای بود که پس از وارد به شدن به دوره عقد تجربه کرده بودند. این افراد بیان داشتند که این تکالیف تحولی در دوره عقد، به شکل نسبتاً متفاوتی نسبت به دوره تجرد یا دوره آشنایی با همسر (به شکل سنتی یا غیر سنتی) تجربه می شوند. به دنبال تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها، دو مضمون کلی تحت عنوان "تکالیف تحولی زوج" و "تکالیف تحولی فردی" استخراج شد (جدول شماره ۳) که به کدام از آن‌ها در ادامه اشاره خواهد شد.

جدول ۳. تکالیف تحولی همسران در دوران عقد

مضامین اصلی	زیر مضمون‌ها	کدها
تکالیف تحولی زوج	آغاز ما شدن	تلاش برای حفظ قدرت و جایگاه همسر
		برنامه‌ریزی مشترک برای آینده
		در نظر گرفتن طرف مقابل علاوه بر خود

مضامین اصلی	زیر مضمون‌ها	کدها
		به اشتراک گذاشتن مسائل با همسر
		اتخاذ تصمیم‌های مشترک با همسر
		انجام فعالیت‌های مشترک و تغییرات در برنامه‌های فردی
	تغییر در روابط گسترده	افزایش ارتباط با دوستان متأهل
		تغییر در ارتباطات با فامیل
	پایه‌گذاری علاقه و عشق	به یاد سپردن تاریخ‌های مهم
		مراقبت شدن توسط همسر و تکیه کردن به او
		تلاش برای خوشحال کردن همسر
		پر شدن تنهایی توسط طرف مقابل
		کمک گرفتن از مشاوره
		شناخت بهتر همسران از یکدیگر به‌مرورزمان
		کسب تجربه در طول زمان
	یادگیری حل مسئله	تلاش برای انجام خواسته‌های طرف مقابل
		روش فاصله گرفتن موقتی از یکدیگر
		حل مشکلات با روش صحبت کردن منطقی
		معذرت‌خواهی
	مدیریت مالی	آمادگی مالی در برگزاری مراسم عروسی
		به عهده گرفتن برخی هزینه‌های همسر در دوره عقد
		تهیه منزل
		تهیه جهیزیه
	تغییرات درونی	ایجاد ابعاد جدید شخصیتی
		رشد و متحول شدن شخصیت
		تغییر در برنامه‌ریزی‌های ذهنی
		افزایش از خودگذشتگی
		تغییر روش پیشین زندگی
	تغییرات در سبک زندگی	تغییر در رفتارهای اشتباه
		رسیدگی به نظم و ظاهر شخصی
تکالیف تحولی فردی		

۱-۲- تکالیف تحولی زوج

یکی از مهم‌ترین تکالیف تحولی‌ای که افراد در دوره عقد به آن اشاره کردند، تکالیف تحولی مربوط به زوج و رابطه آن‌ها بود. در ادامه به انواع این تکالیف تحولی اشاره خواهد شد:

۱-۱-۲- آغاز ما شدن

از تکالیف تحولی دیگری که همسران به‌عنوان تکالیف مربوط به زوج در دوره عقد اشاره کردند، ما شدن بود. تلاش برای حفظ قدرت و جایگاه همسر، از مصادیق احساس ما شدن بود:

"نمی‌خواستم همسرم فکر کنه که دیگه قدرت و جایگاه اسبقی رو نداره. یا این که فکر کنه دیگه برای من قابل تکیه کردن نیست...؛ یعنی نمی‌خوام فکر کنه که من دیگه بهش نیازی ندارم. دوس دارم بدونم که اگر درآمد من بیشتره من هنوزم بهش نیاز دارم. نیاز دارم از نظر عاطفی بهش تکیه کنم." (مشارکت‌کننده شماره ۳).

برخی از مشارکت‌کنندگان، به برنامه ریزی مشترک برای آینده اشاره کردند:

"الان هم می‌خوایم از ایران بریم و داریم واسه اون پلن می‌چینیم. دو تایی رفتیم کلاس زبان ثبت نام کردیم..." (مشارکت‌کننده شماره ۴).

در نظر گرفتن طرف مقابل علاوه بر خود، نیز توسط برخی افراد شرکت‌کننده به‌عنوان ما شدن تلقی شد:

"خب دیگه نمی‌تونستم هر جور دلم خواست زندگی کنم و باید یکی دیگه رو در نظر بگیرم تو انتخاب کردن مدل زندگی م. باید اون و احساسش در نظر می‌گرفتم دیگه." (مشارکت‌کننده شماره ۲).

به اشتراک گذاشتن مسائل با همسر نیز یکی از مصادیق ما شدن بود که توسط برخی شرکت‌کنندگان بیان شد:

"خب هر مسئله‌ای هست باهاش مطرح می‌کنم دیگه؛ یعنی دیگه فقط من نیستم این وسط. اگر مشکلی پیش بیاد یا برنامه‌ای باشه یا هر چیز دیگه، به سعید میگم." (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

از نظر افراد مشارکت‌کننده، اتخاذ تصمیم‌های مشترک با همسر نیز مصداق تکلیف تحولی ما شدن در رابطه با همسر بود:

"قبل از عقد، همچین چیزایی برای من مطرح نبود؛ اما الان باید برای هر چیزی به تصمیم دو نفره گرفته می‌شد." (مشارکت‌کننده شماره ۲).

انجام فعالیت‌های مشترک و تغییرات در برنامه‌های فردی نیز تکلیفی بود که افراد در دوره عقد، ما شدن را با آن تجربه کردند:

"یا حتی تایم درس خوندم و اینا از سر کار که میام، دیگه نمیتونم اون تایم درس بخونم. ترجیح میدم وقت مشترک باهم بگذرونیم یا تفریحاتم جورری شده که مهناز هم دوست داشته باشه یا بخواد بیاد." (مشارکت‌کننده شماره ۱)

۲-۱-۲- تغییر در روابط گسترده

یکی از تکالیف تحولی زوجین در دوران عقد، تغییر در روابط گسترده با دیگران بود. به‌عنوان مثال، افراد اظهار داشتند که در دوره عقد، ارتباط آن‌ها به‌عنوان زوج، با دوستان متأهل افزایش یافته است:

"آخه من خیلی از دوستان اونا هم متأهل شدن راستش. ولی می‌بینم که مثلاً به دوست متأهلم قبلاً شاید کمتر زنگ می‌زدم ولی الان راحت‌تر زنگ می‌زنم با خانومم باهاشون میریم بیرون." (مشارکت‌کننده شماره ۷).

برخی دیگر از افراد نیز به تغییر در ارتباطات با فامیل به‌عنوان یک فرد متأهل اشاره نمودند:

"ارتباطاتم رو دارم می‌بینم که خیلی عوض شده. مثلاً قبلاً شاید من از تهران می‌رفتم شهرستان شاید خیلی پیش فامیلا و دوستانم نمی‌رفتم الان دیگه اینطوری

نیست دیگه مارو دعوت میکنن. قشنگ روابطم گسترده تر شده." (مشارکت کننده شماره ۱۱).

۳-۱-۲- پایه گذاری علاقه و عشق

از دیدگاه مشارکت کنندگان، یکی از تکالیف تحولی مهمی که زوجین در طول دوره عقد با آن مواجه می‌شوند، پایه‌گذاری عشق و علاقه با فردی تحت عنوان همسر است. به‌عنوان مثال، برخی مشارکت کنندگان بیان کردند که به یاد سپردن تاریخ‌های مهم، به‌عنوان نوعی مهرورزی تلقی می‌شود:

"اگر تاریخ‌های مهم رو یادم نمونه که کله منو می‌کنه (خنده)؛ اما بی شوخی، خب سعی می‌کنم تاریخ‌های مهم مثل سالگرد و تولد و اینا رو یادم باشه و یجوری برقرار کنم ک خوشحالش کنم" (مشارکت کننده شماره ۲).

مراقبت شدن توسط همسر و تکیه کردن به او نیز از مواردی بود که در اشاره به مهرورزی به همسر بیان شد:

"من خب همش سعی م برآینه که بهش برسونم که میتونه بهم تکیه کنه. حالا شاید من خودم اونجور که باید سرپا نیستم؛ اما همین که بدونم من حواسم بهش هست و میتونه حداقل از نظر احساسی بهم تکیه کنه، حس می‌کنم بردم" (مشارکت کننده شماره ۸).

برخی افراد نیز مهم بودن طرف مقابل و تلاش برای خوشحال کردن همسر را به‌عنوان مهرورزی در نظر می‌گرفتند:

"خب ببینید آدم وقتی با یکی پیمان می‌بنده، باید بهش محبت کنه. باید به اون طرف این حسو بده که واسش مهمه. خب واسه منم این بود. حداقل تا حالا سعی کردم اینو بهش بده که بفهمه خیلی برام مهمه. مثلاً کادو بخرم براش. یا به حرفاش اهمیت بدم" (مشارکت کننده شماره ۲).

پر شدن تنهایی توسط طرف مقابل نیز توسط برخی مشارکت کنندگان بیان شد:

"قبلاً احساس تنهایی می‌کردم نیاز داشتم ماهی به بار از خوابگاه برم خونمون و حداقل سه چهار روز می‌موندم. ولی وقتی همسرم هست اون احساس نیاز شاید کمتر شده باشه که نمیرم. تنهاییم پرت‌تر شده واقعاً" (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

۴-۱-۲- یادگیری حل مسئله

از تکالیف تحولی مهمی که همسران در دوره عقد با آن روبرو هستند، حل مسائل و چالش‌هایی است که در رابطه ایجاد می‌شود. برخی افراد برای حل مسائل خود، کمک گرفتن از مشاوره را انتخاب کرده بودند:

"هیچی دیگه اخراش که دیدیم به توافق نمی‌رسیم، رفتم همون کیش پیش یه مشاور خوب و اون خب خیلی به ما کمک کرد" (مشارکت‌کننده شماره ۱).

شناخت بهتر همسران از یکدیگر نیز به افراد در جهت حل چالش‌ها کمک کرده بود. به‌عنوان مثال یکی از شرکت‌کنندگان اظهار داشت:

"خب کم کم همویشتتر شناختیم. اخلاق رفتارش دستم اومد. مثلاً وقتی قهر می‌کرد یا ناراحت می‌شد، می‌دونستم اگر بغلش کنم اوکی میشه" (مشارکت‌کننده شماره ۷).

کسب تجربه در طول زمان نیز به افراد در دوره عقد کمک می‌کرد تا بتوانند تکلیف تحولی خود را در جهت حل مسائل و چالش‌ها با موفقیت انجام دهند:

"بعداً و با مرور زمان فهمیدم که اینطور نیست و در بحث‌ها و جدل‌ها اونا رو به روم میاره؛ که باعث شد دیگه مسئله‌ای که مربوط به محیط بیرونه و مربوط به من هستش و خانومم نمیدونه رو در مورد خودم و کارم مطرح نکنم. حس می‌کردم اگر بگم مسائل بیشتر میشه. دیگه یاد گرفتم سیاست داشته باشم و همه چیز رو بهش نگم. به مرور تجربه شده واسه م" (مشارکت‌کننده شماره ۵).

از روش‌های دیگر افراد به‌منظور حل کردن چالش‌ها، گذشت و بخشش بود. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده‌ای اظهار داشت:

"خب مثلاً سعی کردم رو ویژگی هام کار کنم و و مثلاً گذشتم رو بیشتر کنم..." (مشارکت کننده شماره ۲).

تلاش برای انجام خواسته‌های طرف مقابل نیز از نظر برخی شرکت کنندگان، روشی برای حل مسئله و چالش بود:

"مثلاً اگر بینم امیرحسین ناراحت میشه ازم، میرم چیزی رو که ازم خواسته انجام می‌دم. بالاخره آدم باید حفظ کنه رابطشو" (مشارکت کننده شماره ۱۲).

برخی مشارکت کنندگان، در جهت انجام تکلیف تحولی خود در رابطه به منظور حل چالش‌ها، از روش فاصله گرفتن موقتی از یکدیگر استفاده می‌کردند:

"ما هر وقت بین مون کشمکش پیش میاد به مدت از هم فاصله می‌گیریم. مثلاً من میرم بیرون به قدمی می‌زنم میام. یا حرف نمی‌زنیم همون لحظه. بین همه کارا، این واسه ما بیشتر جواب داده تا حالا" (مشارکت کننده شماره ۴).

حل مشکلات با روش صحبت کردن منطقی نیز از روش‌های گفته شده توسط مشارکت کنندگان بود. به عنوان مثال یکی از مشارکت کنندگان بیان کرد:

"مثلاً سعی کردم هر وقت مسئله ای پیش بیاد بتونم با همسر حرف بزنام راجع بهش و دعوایی نمونه بین مون. خداپیش اونم خب ناز الکی نمی‌کنه که نمیخوام حرف بزنام و اینا. میاد حرف می‌زنیم دو تایی" (مشارکت کننده شماره ۱۱).

برخی مشارکت کنندگان نیز ادعا کردند که معذرت خواهی کردن، روشی در جهت

حل مسائل در دوران عقد بوده است:

"واقعاً تمام تلاشم آینه که هر وقت بین مون به سوء تفاهمی چیزی پیش میاد، با معذرت خواهی بتونم درستش کنم شرایطو. در بیارم از دلش" (مشارکت کننده شماره ۱).

یکی از تکالیف تحولی بیان شده توسط افراد مشارکت‌کننده، تثبیت وضعیت مالی و مدیریت مالی در دوران عقد گزارش شد. به‌عنوان مثال، برخی افراد، آمادگی مالی در برگزاری مراسم عروسی را یکی از عناصر مدیریت اوضاع مالی در نظر می‌گرفتند:

"ببینید من الان حساب کردم که پول پیش این خونه ای که توش هستم رو بزارم برای عروسی، راحت میتونیم یه مراسم خوب بگیریم..." (مشارکت‌کننده شماره ۳).

به عهده گرفتن برخی هزینه‌های همسر در دوره عقد نیز، نوعی مدیریت مالی محسوب می‌شد که مشارکت‌کنندگان در دوره مجرد با آن درگیر نبودند:

"اینجوری بگم که زمانی که عقد کردم، یعنی از همون اول، تمام هزینه‌های همسرم با خواست خودم دست خودم بود چون وضع مالی‌شون هم ضعیف بود، از شارژ موبایل گرفته تا لباس. جز خورد و خوراک که خونه خودشون بود." (مشارکت‌کننده شماره ۱).

برخی مشارکت‌کنندگان نیز توافق بر سر خرید جهاز توسط خود و همسرشان به‌منظور مدیریت مالی را در دوره عقد مطرح کردند:

"مثلاً توافق کردیم که سه تا کالای بزرگ رو ما بخریم و بقیه شو پدر همسرم..." (مشارکت‌کننده شماره ۲)

از دیگر مسائلی که از منظر مشارکت‌کنندگان به‌عنوان مدیریت اوضاع مالی به‌منظور رفتن زیر یک سقف یاد شد، تهیه منزل بود:

"خب ما الان باید دنبال خونه بگردیم و داریم یجوری پول‌ها رو جمع و جور می‌کنیم که به پول پیش خونه هم قلد بده..." (مشارکت‌کننده شماره ۵)

۲-۲- تکالیف تحولی فردی

آخرین تکلیف تحولی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش، تکالیف تحولی فردی در دوران عقد بود. در ادامه به انواع این تکالیف تحولی اشاره خواهد شد:

۱-۲-۲- تغییرات درونی

به گفته مشارکت کنندگان، یکی از تغییرات درونی ایجادشده در دوره عقد، ایجاد ابعاد جدید شخصیتی بود:

"بیشتر مثبت فکر می‌کنم چون از یک‌سری بدهای خودم که هیچ‌وقت استفاده نمی‌کردم مجبور شدم به خاطر آرش باهاشون روبه‌رو شوم که همشونم خیلی بدنودند یعنی انگار بدهای جدیدی پیدا کردم" (مشارکت کننده شماره ۸).

مشارکت کنندگان، رشد و متحول شدن شخصیت خود را نیز به منزله تغییرات درونی در نظر می‌گرفتند:

"همسرم خیلی اهل تفریح و مهمونیه و من نه. بعد عقد متوجه شدم که می‌تونم از اینجور تفریح کردن هم لذت ببرم؛ یعنی انگار یه جنبه‌هایی از شخصیت منو همسرم شکوفا کرد و باعث شد بهشون بها داده شه و برم توش بینم چه خبره." (مشارکت کننده شماره ۱۲).

همچنین، تغییر در برنامه ریزی‌های ذهنی افراد نیز از جمله تغییرات درونی بود. به‌عنوان مثال:

"مثلاً آگه تو دوران مجردیت غصه‌ات نبوده که میتونم حقوق یه ماهمو برای خودم خرج کنم ولی الان خب میگی نه حق ندارم بیشتر از دویست سیصد تومن خرج کنی چون تو دیگه متأهل شدی؛ یعنی حتی برنامه ریزی‌های ذهنیم هم عوض شده و هر کار می‌خواهی بکنم همسرم رو هم در نظر می‌گیرم. زندگی مشترک رو هم در نظر می‌گیرم" (مشارکت کننده شماره ۲).

در نهایت، مشارکت کنندگان در مورد از خود گذشتگی صحبت کرده و آن را نوعی تغییر درونی در دوره عقد در نظر گرفتند:

"همینکه یاد می‌گیری روی خیلی از خواسته‌های الکی خودت با برداری خیلی چیزارو ندیده‌بگیری، این خاصیت دوره عقده. خاصیت تاهله." (مشارکت کننده شماره ۵)

۲-۲-۲- تغییرات در سبک زندگی

از نظر مشارکت‌کنندگان، یکی از تغییرات ایجادشده در سبک زندگی در دوره عقد، تغییر روش قبلی بود:

"انگار عقد به چیز عجیبیه. مثلاً خیلی از روش‌های زندگی رو که توی سی سال کردم باید بذارم کنار." (مشارکت‌کننده شماره ۹)

ایجاد تغییر در رفتارهای اشتباه گذشته نیز از تغییرات در سبک زندگی به شمار می‌رفت:

"خیلی از کارهای اشتباه انجام ندی، شاید تا قبل اون برای آدم مهم نبود که به کار اشتباهی رو داره انجام میده واسه همین نمی‌رفت ازش جلوگیری کنه. نمی‌رفت مراقبتش کنه ولی الان مجبور میشی اون کار اشتباهو بذاری کنار. رفتار تو عوض کنی...!" (مشارکت‌کننده شماره ۴).

از نظر مشارکت‌کنندگان، رسیدگی به نظم و ظاهر شخصی از تغییرات ایجادشده در سبک زندگی افراد بود. به عنوان مثال:

"خب مثلاً خیلی چیا. مثلاً آگه من دوران مجردی برام مهم نبود که چطوری لباس بپوشم چطوری به خودم برسم، حوصلم نمی‌گرفت اصلاً به ماه به صورتتم دست نمی‌زدم ولی الان مجبوری همیشه مرتب باشی منظم باشی." (مشارکت‌کننده شماره ۱۱)

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده یکی از قدیمی‌ترین و فراگیرترین نهادهای موجود در جامعه است که همواره کارکردهای فراوانی برای افراد داشته است. در واقع، توانمندترین جوامع را آن دسته‌ای تشکیل می‌دادند که خانواده‌های آن‌ها، بنیادی قوی داشته‌اند (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰). خانواده‌ها در طول حیات خود، از مراحل مختلفی گذر می‌کنند. یکی از ابتدایی‌ترین مراحل که خانواده‌های ایرانی از آن عبور می‌کنند، دوران عقد است که به نظر می‌رسد مخصوص به فرهنگ ایران است. به همین علت، هدف از پژوهش فوق، بررسی تجارب زیسته همسران ایرانی در طول دوره عقد بود. پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی بوده که داده‌ها به وسیله مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با افرادی که در دوره عقد به سر می‌بردند جمع‌آوری شده و با تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها، مضامین ایجاد شدند.

یکی از یافته‌های اصلی پژوهش، چالش‌های تجربه‌شده افراد در دوران عقد بود. یکی از این چالش‌ها، عدم استقلال از خانواده مبدأ و ورود به یک خانواده جدید بود. در واقع، در ایران، زن و شوهر تنها با یکدیگر ازدواج نمی‌کنند بلکه با مجموعه‌ای جدایی‌ناپذیر ازدواج می‌کنند که شامل همسر و خانواده وی خواهد بود. زوجین ایرانی، علیرغم اینکه خانواده پدری خود را پس از ازدواج ترک می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که پیوندهای عاطفی محکمی در پیش از ازدواج و حتی پس از آن، با خانواده مبدأ خود دارند. این تصویر، با تصویر ازدواج در جوامع غربی متفاوت است؛ به طوری که ما در غرب معمولاً مرحله‌ای تحت عنوان بزرگ‌سال جوان دل‌نابسته را در مرحله اول چرخه‌ی زندگی خانواده داریم و در این مرحله، فرد فرصت می‌کند تا از خانواده اصلی خود استقلال یافته و تمایز یافتگی را تجربه کند؛ اما همسران ایرانی، نه تنها با ازدواج کردن، تمایزی از خانواده اصلی خود پیدا نمی‌کنند، بلکه پس از ازدواج، علاوه بر عضویت در خانواده مبدأ، به شکل هم‌زمان در خانواده هسته‌ای جدید و خانواده همسر نیز به عضویت درمی‌آیند (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی، ۱۳۹۴). پژوهش کیفی قاسمی، اعتمادی و احمدی (۱۳۹۵) نشان داد که از نظر افراد، خانواده همسر توقع دارند تا زوجین در تصمیم‌گیری‌های خود آن‌ها را شریک نمایند، انتظار

دارند که زوجین به همه توصیه‌هایی که از سمت خانواده همسر می‌شود عمل کنند و از آن‌ها توقع دارند تا مطابق میل و سلیقه آن‌ها رفتار و زندگی کنند و همین امور موجب می‌شود تا تعارضات بین همسران افزایش یابد. اهمیت حفظ رابطه با خانواده همسر در ایران به حدی است که تأثیر شدید آن بر پایداری زندگی زناشویی، تبدیل به یک مسئله وابسته به فرهنگ در جامعه ایرانی شده است. در واقع با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده، مسئله ارتباط با خانواده‌های یکدیگر جزو پنج عامل مهم و پیش‌بین طلاق در کشور ایران است (فاتحی زاده، بهجتی اردکانی، نصر اصفهانی، ۱۳۸۴). برخلاف جوامع غربی یا فرهنگ فردگرا، نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در کشورهای جمع‌گرا (که فرهنگ آن‌ها به فرهنگ ایرانی شباهت بیشتری دارد) نیز حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، داتا، پورتینگا و مارکونن^۱ (۲۰۰۳) در پژوهش خود به نقش ویژه خانواده همسر به‌ویژه مادرشوهر در تعارضات زناشویی در کشورهای جمع‌گرا نظیر تایوان، چین، کره و هند اشاره کردند. وو، یه، کراس، لارسن، ونگ و تسای^۲ (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود دریافتند که زنان چینی متأهل، تعارض با مادرشوهر را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اضطراب زناشویی قلمداد می‌کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که رابطه با خانواده همسر، بیشتر مخصوص به فرهنگ‌های جمع‌گرا می‌باشد. لذا، یافته‌های پژوهش در مورد چالش افراد با خانواده همسر، با پژوهش‌های انجام شده پیشین منطبق است و افراد در دوران عقد، از خانواده اصلی خود تمایز پیدا نمی‌کنند. والدین نیز، استقلال فرزندان خود در تصمیم‌گیری و سبک زندگی را به رسمیت نشناخته و وارد حریم خصوصی زوج می‌شوند. این عدم تمایز یافتگی، منجر به چالش در دوران عقد می‌شود. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که بیشتر این پژوهش‌ها در زمینه ارتباط با خانواده همسر در دوران ازدواج (و نه عقد) انجام شده‌اند؛ و اجرای پژوهش‌هایی در این زمینه که در مورد دوران عقد انجام گرفته باشند ضروری است.

همچنین، پژوهش فوق‌نشان داد که یکی از چالش‌های زوجین در دوره عقد، معضلات مربوط به سنت و فرهنگ در قبال خانواده‌های اصلی است. پژوهش‌های اندکی که در مورد

^۱Datta, P. Poortinga, Y. H. & Marcoen, A.

^۲Wu, T.F. Yeh, K.H. Cross, S. E. Larson, L. M. Wang, Y.C. & Tsai, Y.L.

ازدواج‌های بین فرهنگی وجود دارند قائل به چند نظریه هستند؛ اول آنکه ازدواج‌های بین قومیتی یا بین فرهنگی، تعارض بیشتری را نسبت به کسانی که در فرهنگ یا قومیت خود ازدواج می‌کنند تجربه می‌کنند. دوم، ازدواج‌های بین فرهنگی به‌عنوان ازدواج‌های ناکارآمدتر در نظر گرفته می‌شوند و احتمال منجر شدن آن‌ها به طلاق بیشتر است (فریم،^۱ ۲۰۰۴)؛ بنابراین رعایت سنت‌ها و داشتن تفاهم فرهنگی در زندگی زناشویی، از چالش‌هایی است که زوجین در ابتدای ورود به خانواده جدید با آن مواجه می‌شوند که در پژوهش فوق نیز زوجین عقد کرده، حتی در همان دوران عقد نیز با آن‌ها مواجه بودند.

طبق پژوهش حاضر، بخش دیگری از چالش‌ها در دوران عقد، مربوط به چالش‌های همسران بود. شناخت یکدیگر، یکی از چالش‌های مهمی بود که همسران در دوره عقد گزارش کردند. طبق یافته‌های پژوهش کیفی بیجاری، سپهری شاملو، مهram و صادقی (۱۳۹۸) که با پژوهش فوق همسو بود، افرادی که در دوران عقد به سر می‌بردند اذعان داشتند که پس از تجربه کردن رابطه زناشویی در دوران عقد بستگی، به این نتیجه رسیده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی، نسبت به ویژگی‌های ظاهری، از اهمیت بالاتری برخوردار است و در دوران عقد، شناخت ویژگی‌های شخصیتی طرفین است که برای آن‌ها مهم‌تر می‌شود؛ اما شناخت یکدیگر در فرهنگ‌های فردگرا، به شکل دیگری رخ می‌دهد. کارتر و مک‌گلدریک^۲ (۱۹۸۸) مطرح کردند که در مرحله بزرگ سال جوان، یکی از تغییرات مرتبه دوم در جهت پیشرفت، تفکیک از خانواده مبدأ و ایجاد روابط صمیمانه به‌منظور شناخت است و در جوامع غربی، شناخت طرف مقابل به‌عنوان یک تکلیف تحولی در دوران مجرد محسوب می‌شود؛ اما طبق یافته‌های این پژوهش، در ایران، به علت فرهنگ حاکم، این شناخت در دوران آشنایی و مجرد کامل نمی‌شود و به‌عنوان یک چالش در دوران عقد، خود را نشان می‌دهد.

و درنهایت، آخرین چالش در دوران عقد، مربوط به بلاتکلیفی زوجین بود. از آنجا که فرهنگ ایرانی در حال گذار نسبی از سمت فرهنگ سنتی به سمت مدرنیته می‌باشد (احمدی،

^۱Rame, M. W

^۲Carter, B. E. & McGoldrick, M. E.

(۲۰۱۶)، برخی از آیین‌ها نظیر همین دوران عقد نیز در طی زمان دستخوش دگرگونی‌هایی شده‌اند. به‌عنوان مثال، در دهه‌های پیشین، دختر و پسر به عقد یکدیگر درمی‌آمدند و در بیشتر خانواده‌ها پس از طی کردن مدت کوتاهی که عقدبستگی نام داشت با یکدیگر آشنا می‌شدند تا برای ورود به زندگی مشترک آماده باشند. روابط نزدیک‌تر و روابط جنسی در زمان قدیم‌تر، تنها منوط به برگزاری مراسم عروسی و زیر یک سقف رفتن توسط دختر پذیرفته شده بود (فرهانی، کللند، مهریار، ۲۰۱۱)؛ اما به نظر می‌رسد که امروزه زوجین در دوران عقد به شکل نسبی مجاز هستند تا با یکدیگر وقت بیشتری بگذرانند و با هم به سفر بروند. اگر چه داشتن روابط جنسی و از دست رفتن باکرگی عروس در برخی خانواده‌های ایرانی همچنان مجاز نیست (شریفی، ۲۰۱۸). متأسفانه یافته پژوهشی‌ای مبنی بر اینکه چه کسی مسئولیت تأمین مخارج را به عهده دارد، یافت نشد. همچنین، در مورد نداشتن یک سقف ثابت و عدم مشخص شدن تاریخ عروسی نیز پژوهشی موجود نیست. در واقع احساس بلا تکلیفی در دوران عقد، یک چالش بسیار مهم است که منحصراً مربوط به دوران عقد می‌باشد و پژوهش‌هایی نیاز است تا آن را بیشتر مورد بررسی قرار دهد. از نظر نویسندگان، احساس بلا تکلیفی از آنجا ناشی می‌شود که دوران عقد، پلی بین مجرد و تأهل است و چالش‌ها و مسائلی را دارد که برای افراد ناشناخته و جدید است.

بخش دوم یافته‌های پژوهش، مربوط به تکالیف تحولی افراد در دوران عقد بود. این تکالیف، دو بخش مربوط به تکالیف تحولی زوجین و تکالیف تحولی فردی را در برمی‌گرفت. از تکالیف تحولی مهم زوجین در دوره عقد، آغاز ما شدن، پایه‌گذاری علاقه و عشق، یادگیری حل مسئله، مدیریت مالی و تغییر در روابط گسترده بود که به نظر می‌رسد نظریه پردازان غربی به این موارد اشاره کرده و آن‌ها را به‌عنوان تکالیف تحولی مرحله ازدواج و شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف در نظر گرفته‌اند. به گفته کارتر (۱۹۹۹)، در ازدواج، ورود به یک سیستم جدید، هر عضو را وامی‌دارد تا در زندگی زوجی خود، تعهدات جدیدی را شکل دهد. در این مرحله، تجدید ساختار روابط با خانواده گسترده و دوستان به‌گونه‌ای که همسر را نیز شامل شود، مذاکره درباره رابطه زناشویی و پایه‌گذاری الگوهای

زندگی مشترک که بر آینده ازدواج تأثیر می‌گذارد نظیر قدرت، صمیمیت و ارضای نیازها انجام می‌شود. همچنین دووال و میلر (۱۹۸۵)، مرحله ازدواج را به‌عنوان مرحله اول چرخه زندگی خانواده در نظر گرفتند و مواردی نظیر پایه‌گذاری یک رضایت مشترک زناشویی، برنامه‌ریزی برای حاملگی، سازگار شدن با شبکه خویشاوندان را به‌عنوان تکالیف تحولی این مرحله مطرح کردند. همز (۲۰۱۸) نیز معتقد بود که ازدواج به‌عنوان مرحله‌ای که در اوایل دوره بزرگ‌سالی قرار می‌گیرد منجر می‌شود تا زوجین روابطی پایا را که منجر به تحول هر دو همسر می‌شود شکل دهند. همچنین، به گفته سریدو، لبارون، لی، پرت و شیم (۲۰۲۰)، افراد بزرگ‌سال در عبور از نقاط عطف مراحل چرخه زندگی خانواده، با چالش‌های مختلفی در خود-کفایی روبرو می‌شوند و نکته حائز اهمیت این است که این مشکلات، عموماً زیربنای مالی دارند. به گفته دو (۲۰۱۶) و شمیندا (۲۰۱۸)، بخش اعظمی از زوجین معتقدند که مشکلات مالی، مشکلات شماره اول آنهاست. در طول چهار دهه اخیر در دنیا، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که حاکی از اثرات منفی استرس‌های مالی بر عملکرد همسران و ساختار خانواده بوده است (کونگر، کونگر و مارتین، ۲۰۱۰؛ فونسکا، کونها، کرسپو و رلواس، ۲۰۱۶؛ و سانتیاگو، وادزورث و استامپ، ۲۰۱۱). در حقیقت، تحقیقات در مورد مسائل مالی در ازدواج در حال افزایش است (دو، ۲۰۱۶). مسائل اقتصادی، با بهزیستی زناشویی در ارتباط است و میزان دسترسی افراد خانواده به منابع مالی، معمولاً به‌عنوان قدرتمند بودن آن خانواده و ازدواج تلقی می‌شود (دینتون و زلی، ۲۰۰۶). کمک مالی والدین نقش مهمی در موفقیت فرزندان در انتقال به نقش‌های بزرگ‌سالی دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت مالی والدین از فرزندان، روند آزمایش و اکتشاف در

۱Duvall, E. R. M. & Miller, B. C.

۲Hemez, P.

۳LeBaron, A.B.

۴Dew, J. P.

۵Shameenda, K. L.

۶Conger, R. D. Conger, K. J. & Martin, M. J.

۷Fonseca, G. Cunha, D. Crespo, C. & Relvas, A. P.

۸Santiago, C. D. Wadsworth, M. E. & Stump, J.

۹Dainton, M. & Zelley, E. D.

اوایل بزرگ‌سالی را تسهیل می‌کند. در واقع، حمایت مالی والدین بر تصمیمات فرزندان در مورد زندگی مستقل و تشکیل روابط تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، نتایج پژوهش لنز، سورگنته و دانس^۱ (۲۰۲۰) حاکی از آن بود که کیفیت ارتباطات خانواده از طریق پذیرفتن والدین به‌عنوان یک الگوی مالی، تأثیر مثبت و غیرمستقیمی بر رفاه مالی ذهنی فرزندان دارد؛ بنابراین، حل یافته‌های پژوهش فوق در مورد مدیریت کردن مسائل مالی و کمک گرفتن از والدین در جهت پیشبرد مسائل مالی دوران عقد، با یافته‌های پژوهشی دنیا همسو است؛ اما مجدداً، به علت عدم پژوهش در مورد مسائل مالی در دوران عقد، پژوهشی وجود ندارد که بتوان آن را به شکل اختصاصی با دوران عقد مقایسه کرد.

آخرین یافته در این پژوهش، مربوط به تکالیف تحولی فردی در دوران عقد است که منجر به تغییرات درونی و تغییرات در سبک زندگی فرد می‌شود تا بتواند از مجرد، وارد دوران عقدبستگی شود. به گفته لوینسون^۲ (۱۹۸۶) اگر فرد در انتقال سی سالگی، تکالیف مربوط به مرحله بزرگ‌سال جوان ناوابسته را تکمیل نکرده باشد، معمولاً رو به عقب و به سمت خانواده مبدأ باز می‌گردد تا تکلیف جدایی از آن‌ها را در جهت تکمیل تکالیف (تبدیل شدن به یک خود)^۳، قبل از پایه‌گذاری و تشکیل خانواده جدیدش، به اتمام برساند (آرمور، ۱۹۹۵). در واقع، تغییراتی که در جوامع غربی، مربوط به تغییر در سبک زندگی و آماده شدن برای شروع یک زندگی مشترک هستند، معمولاً در مرحله‌ای تحت عنوان "بزرگ‌سال جوان" رخ می‌دهند؛ اما در خانواده‌های ایرانی، به این علت که جدا شدن از خانواده مبدأ، معمولاً در دوران مجرد و قبل از عقد رخ نمی‌دهد (این در حالی است که در بسیاری از افراد، حتی پس از ازدواج هم این امر انجام نمی‌شود)، این تغییرات در دوران عقد بروز می‌کنند.

به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که دوران عقد، یکی از مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین دوران شروع زندگی یک فرد به‌عنوان یک انسان متأهل است. در این پژوهش،

^۱Lanz, M. Sorgente, A. & Danes, S. M.

^۲Levinson, D. J.

^۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بیرجند. gyazdani2@gmail.com

چالش‌ها و تکالیف تحولی مربوط به دوران عقد که مختص خانواده و فرهنگ ایرانی است، از دیدگاه افرادی که در حال طی کردن این دوره بودند مورد بررسی واقع شد. نتایج پژوهش نشان داد که: (۱) در زوجین ایرانی، به علت عدم تفکیک بزرگسالان جوان از خانواده اصلی یا مبدأ، برخی چالش‌ها که در دوران عقد ایجاد می‌شوند، در واقع مربوط به همان تکالیف تحولی مربوط به دوران مجرد هستند که با موفقیت سپری نشده‌اند و حال، خود را به شکل چالش در دوران عقد نشان می‌دهند. (۲) برخی چالش‌های ایجاد شده در دوران عقد، چالش‌هایی هستند که در پژوهش‌های داخلی و خارجی، به عنوان چالش‌های مربوط به شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف مطرح شده‌اند. این امر حاکی از آن است که برخی چالش‌های مربوط به شروع زندگی مشترک، در همان دوران عقد شروع می‌شوند. (۳) برخی تکالیف تحولی مربوط به دوران عقد در زوجین ایرانی، در واقع تکالیفی هستند که در جوامع غربی تحت عنوان تکالیف تحولی مربوط به بزرگسال جوان مطرح شده‌اند. در واقع به نظر می‌رسد که عدم تفکیک از خانواده مبدأ در جوانان مجرد ایرانی، موجب می‌شود که آن‌ها حل کردن موفقیت‌آمیز برخی تکالیف تحولی را در دوران مجرد، لازمه ورود به دوران عقد در نظر نگیرند. لذا زوجین، بدون اجرای این تکالیف، عقد می‌کنند و دوران عقد را به عنوان دورانی برای حل کردن موفقیت‌آمیز این تکالیف تحولی در نظر می‌گیرند. (۴) برخی تکالیف تحولی مربوط به دوران عقد، در پژوهش‌های داخلی و خارجی، به عنوان تکالیف تحولی مربوط به شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف مطرح شده‌اند. این امر حاکی از آن است که برخی تکالیف تحولی مربوط به شروع زندگی مشترک در ایران، در همان دوران عقد می‌بایست با موفقیت پشت سر گذاشته شوند؛ و (۵) دوران عقد در ایران، پلی بین دوران مجرد و شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف است و چالش‌ها و تکالیف تحولی مربوط به این دوران، ترکیبی از چالش‌ها و تکالیف حل نشده دوران مجرد و چالش‌ها و تکالیف تحولی نوظهور مربوط به شروع زندگی مشترک است.

پژوهش فوق، دارای محدودیت‌هایی نیز بود. مهم‌ترین محدودیت آن، کمبود وجود پژوهش‌هایی در مورد دوران عقد در ایران بود که موجب می‌شد تا ادبیات پژوهشی اندکی

در خصوص این دوران جود داشته باشد. این امر موجب می‌شد تا تبیین یافته‌ها، با مشکل مواجه شود و اغلب به پژوهش‌هایی که در مورد ازدواج به‌طور کلی هستند استناد شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌هایی در زمینه تجربه زیسته بلا تکلیفی مالی در دوران عقد (که مسئولیت هزینه‌ها با چه کسی است)، نوع رابطه جنسی، چالش‌های مربوط به شناخت یکدیگر و تفاوت ارتباط با خانواده همسر در دوران عقد و مراحل پس از عقد، انجام شود تا بتوان نتایج پژوهش فوق را با آن‌ها مقایسه کرد. همچنین، یکی دیگر از محدودیت‌ها، مربوط به هم‌زمانی نمونه‌گیری پژوهش با پاندمی کووید ۱۹ بود که نمونه‌گیری را بسیار دشوار ساخت. به‌علاوه، به علت جلوگیری از انتشار بیماری، مشارکت‌کنندگان با ماسک در جلسات مصاحبه حضور پیدا کردند و این امر موجب می‌شد تا بخشی از داده‌ها که مربوط به تظاهرات غیرکلامی و چهره‌ای مشارکت‌کنندگان بود، مورد بررسی قرار نگیرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌های آتی، زمانی انجام شود که در مصاحبه حضوری، امکان مشاهده تظاهرات چهره‌ای مشارکت‌کنندگان نیز وجود داشته باشد. سومین محدودیت، مربوط به ملاک‌های ورود بود که برخی از ویژگی‌های مربوط به دوران عقد در آن نادیده گرفته شد و در خلال نمونه‌گیری، با نمونه‌هایی برخورد شد که با ملاک‌های ورود پژوهش مغایرت داشتند اما شناسایی تجارب آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به‌عنوان مثال می‌توان به زوجینی که هیچ‌گاه مراسم عروسی نمی‌گیرند و مستقیماً از دوران عقد وارد منزل مشترک خود می‌شوند، یا زوجینی که در همان دوران عقد و پیش از برگزاری مراسم عروسی زندگی مشترک در زیر یک سقف را آغاز می‌کنند و زوجینی که در دوران عقد حامله می‌شوند اشاره کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌هایی در زمینه تجارب زیسته این زوج‌ها نیز انجام شود. در نهایت، به‌عنوان پیشنهاد کاربردی نیز، نتایج مربوط به این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند در طراحی پکیج‌های آموزش و مشاوره پیش از ازدواج بر اساس چالش‌ها و تکالیف تحولی دوران عقد و همچنین طراحی پکیج‌های زوج‌درمانی مختص به دوران عقد، مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۱). *پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل*. چاپ اول، تهران، نشر علم.
- بیجاری، هانیه؛ سپهری شاملو، زهره؛ مهram، بهروز؛ و صادقی، منصوره السادات (۱۳۹۸). *ملاک‌های انتخاب همسر از دید افراد راضی از ازدواج (در دوره عقد): یک مطالعه کیفی*. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، (۲) ۱۶، ۴۱-۷۶.
- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ و صادقی، منصوره السادات (۱۳۹۴). *مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۱) ۱۱، ۷-۳۲.
- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ و صادقی، منصوره السادات (۱۳۹۶). *مقیاس سیستمی-مثلی خانواده: ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۳) ۱۳، ۳۴۳-۳۶۰.
- خیر الهی، محمد؛ جعفری، اصغر؛ قمری، محمد؛ و باباخانی، وحیده (۱۳۹۸). *طراحی مدل پیش‌بینی انعطاف‌پذیری شناختی بر اساس تحلیل روند تغییرات چرخه زندگی در زوجین متقاضی طلاق*. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، (۳۹) ۱۰، ۱۵۷-۱۸۰.
- رحمتی، عباس؛ بهرامی نژاد، حبیب (۱۳۹۸). *تجربه قبل از ازدواج (آشنایی، نامزدی، عقد) متقاضیان طلاق: تحلیلی پدیدارشناسانه*. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، (۱) ۸، ۶۸-۸۲.
- رضوی، سید حسین؛ جزایری، رضوان السادات؛ احمدی، سید احمد؛ و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۸). *مقایسه تأثیر برنامه آماده‌سازی پیش از ازدواج بر اساس مدل اولسون و بسته مشاوره پیش از ازدواج بومی بر مشکلات دوران عقد زوجین*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۵۸) ۱۵، ۱۹۵-۱۸۱.
- رستمی، مهدی؛ نوایی نژاد، شکوه؛ فرزاد، ولی اله (۱۳۹۹). *اثربخشی آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج مدل تحکیم ازدواج پیش از شروع (SYMBIS) بر الگوها و آسیب‌های زوج نامزد خانواده‌درمانی کاربردی*، (۱) ۱، ۳۵-۵۳.
- رفیعی، اعظم؛ اعتمادی، عذرا؛ بهرامی، فاطمه؛ و جزایری، رضوان السادات (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر آموزش آمادگی برای ازدواج بر انتظارات زناشویی و مؤلفه‌های آن در دختران عقد کرده شهر اصفهان*. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، (۱) ۶، ۲۱-۴۰.

سازمان ثبت‌احوال کشور (بی‌تا). بازیابی شده در ۱۳۹۷/۰۸/۱۰، از <http://www.sabteahval.ir>

سید حسن تهرانی، محمد؛ کاکابرای؛ کیوان؛ و امیری، حسن (۱۴۰۰). *تدوین الگوی چهاروجهی مشاوره پیش از ازدواج "آگاه" با نگاه بومی و فرهنگی و بررسی اثربخشی آن بر آگاهی، پذیرش، مسئولیت‌پذیری و سازگاری زناشویی پس از ازدواج*. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲(۴۶)، ۲۳-۵۲.

شیشه گران اسدی، سارا؛ قمری کیوی، حسین؛ شیخ‌الاسلامی، علی (۱۳۹۵). *تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده در نامزدها*. مشاوره کاربردی، ۶(۱)، ۷۷-۸۸.

صمدی، معصومه؛ رضایی، منیره (۱۳۹۰). *بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین*. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۲(۱۹)، ۱۱۷-۹۵.

فاتحی زاده، مریم؛ اردکانی بهجتی، فاطمه؛ نصر، احمدرضا (۱۳۸۴). *بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد و اردکان و میبد*. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۶(۱)، ۱۲-۲۷.

فتوگرافی، ش. (۱۳۸۸). *راهنمای دوران نامزدی و عقد*. اصفهان: راه عشق.

قاسمی، سیمین؛ اعتمادی، عذرا؛ احمدی، سید احمد (۱۳۹۵). *شناسایی آسیب‌های تعاملی زوجین و خانواده همسر و پیامدهای آن: پژوهش کیفی*. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۳(۵)، ۲۶۲-۲۵۰.

نیکی رشیدی، فاطمه؛ قرشی، زهره؛ اسماعیل زاده، شایسته (۱۳۹۸). *بررسی زیست جنسی زوج‌های وان در دوران عقد در مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره قبل از ازدواج شهر کرمان در سال ۱۳۹۶*. مجله پرستاری و مامایی، ۱۸(۱)، ۳۰-۳۷.

Ahmadi, A. (2016). *Recreating virginity in Iran: Hymenoplasty as a form of resistance*. *Medical Anthropology Quarterly*, 30(2), 222-237.

Armour, M. (1995). *Family life cycle stages: A context for individual life stages*. *Journal of Family Social Work*, 1(2), 27-42.

- Atari, M. Barbaro, N. Shackelford, T. K. & Chegeni, R. (2017). *Psychometric evaluation and cultural correlates of the Mate Retention Inventory–short form (MRI-SF) in Iran*. *Evolutionary Psychology*, 15(1), ۱۴۷۴۷۰۴۹۱۷۶۹۵۲۶۷.
- Barton, A. W. Futris, T. G. & Bradley, R. C. (2014). *Changes following premarital education for couples with differing degrees of future marital risk*. *Journal of Marital and Family Therapy*, 40(2), 165-177.
- Bernstein, M. (2006). *The marriage contract*. *Handbook of the New Sexuality Studies*, 353
- Bilgin, N. Ç. AK, B. Ptur, D. C. & Ozdogan, E. Identifying Engaged Couples' Knowledge and Attitudes about Family Planning.
- Carter, B. (1999). *The expanded family life cycle*. Individual Family and social perspective.
- Carter, B. E. & McGoldrick, M. E. (1988). *The changing family life cycle: A framework for family therapy*: Gardner Press.
- Clarke, V. & Braun, V. (2014). *Thematic analysis Encyclopedia of critical psychology* (pp. 1947-1952): Springer.
- Conger, R. D. Conger, K. J. & Martin, M. J. (2010). *Socioeconomic status, family processes, and individual development*. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 685-704.
- Creswell, J. W. Hanson, W. E. Clark Plano, V. L. & Morales, A. (2007). *Qualitative research designs: Selection and implementation*. *The counseling psychologist*, 35(2), 236-264.
- Dainton, M. & Zelle, E. D. (2006). *Social exchange theories: Interdependence and equity*. In D. O. Braithwaite & L. A. Baxter (Eds.), *Engaging theories in family communication: Multiple perspectives* (pp. ۲۴۳-۲۵۹). □□□□□□□□□□, □□: □□□□.
- Datta, P. Poortinga, Y. H. & Marcoen, A. (2003). *Parent care by Indian and Belgian caregivers in their roles of daughter/daughter-in-law*. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 34(6), 736-749.
- Dew, J. P. (2016). *Revisiting financial issues and marriage Handbook of consumer finance research* (pp. 281-290): Springer.
- Duvall, E. R. M. & Miller, B. C. (1985). *Marriage and family development*: Harper & Row.
- Farahani, F. K. A. Cleland, J. & Mehryar, A. H. (2011). *Associations between family factors and premarital heterosexual relationships among female college students in Tehran*. *International perspectives on sexual and reproductive health*, 30-39.

- Fonseca, G. Cunha, D. Crespo, C. & Relvas, A. P. (2016). *Families in the context of macroeconomic crises: A systematic review*. Journal of Family Psychology, 30(6), 687.
- Frame, M. W. (2004). *The challenges of intercultural marriage: Strategies for pastoral care*. Pastoral Psychology, 52(3), 219-232.
- Halford, W. K. Sanders, M. R. & Behrens, B. C. (2000). *Repeating the errors of our parents? Family- of- origin spouse violence and observed conflict management in engaged couples*. Family Process, 39(2), 219-235.
- Hemez, P. (2018). *Young adulthood: Cohabitation, birth, and marriage experiences*. Family Profiles.
- Hewitt, B. & Churchill, B. (2020). *Convergence and difference: Marriage and family life from a cross-cultural perspective* Cross-Cultural Family Research and Practice (pp. 57-102): Elsevier.
- Khalesi, Z. B. Simbar, M. & Azin, S. A. (2017). *A qualitative study of sexual health education among Iranian engaged couples*. African health sciences, 17(2), 382-390.
- Lanz, M. Sorgente, A. & Danes, S. M. (2020). *Implicit family financial socialization and emerging adults' financial well-being: A multi-informant approach*. Emerging Adulthood, 8(6), 443-452.
- Levinson, D. J. (1986). *A conception of adult development*. American psychologist, 41(1), 3.
- McGoldrick, M. Garcia Preto, N. & Carter, B. (2015). *The life cycle in its changing context: Individual, family, and social perspectives*. The expanding family life cycle: individual, family and social perspectives, ۱-۴۴.
- Miller, P. E. (2021). *Partner selection: Decision-making as experienced by engaged and married couples*. Marriage & Family Review, 57(2), 93-110.
- Pourmarzi, D. & Rimaz, S. (2014). *Sexual and reproductive health educational needs in engaged couples in Tehran in 2010*. Sexuality Research and Social Policy, 11(3), 225-232.
- Santiago, C. D. Wadsworth, M. E. & Stump, J. (2011). *Socioeconomic status, neighborhood disadvantage, and poverty-related stress: Prospective effects on psychological syndromes among diverse low-income families*. Journal of Economic Psychology, 32(2), 218-230.
- Serido, J. LeBaron, A. B. Li, L. Parrott, E. & Shim, S. (2020). *The lengthening transition to adulthood: Financial parenting and recentering during the*

college-to-career transition. Journal of Family Issues, 41(9), 1626-1648.

- Shameenda, K. L. (2018). *Economic impacts of child marriage: issues of sustainable development goals (SDGS)*.
- Sharifi, N. (2018). *Female bodies and sexuality in Iran and the search for Defiance: Springer*.
- Sommer, F. & Justino, C. (2015). *Impact of a cultural sensitive, competence-based marital education program on marital satisfaction, commitment and relationship competence in the Dutch Caribbean*. Doctoral dissertation. USA: Brunner-Routledge.
- Wu, T.F. Yeh, K.H. Cross, S. E. Larson, L. M. Wang, Y.C. & Tsai, Y.L. (2010). *Conflict with mothers-in-law and Taiwanese women's marital satisfaction: The moderating role of husband support*. The Counseling Psychologist, 38(4), 497-522.